

«بسم نام خالق آرامش»

نام کتاب: ۲۲۴۸ و ۱۰۰۰ پرکاربرد مکالمه

نام نویسنده: عزیز شیخ پور

تعداد صفحات: ۸۹ صفحه

تاریخ انتشار: \_\_\_\_\_



کافین بکلی

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# واژگان آزیای

۲۲۴۸ واژه پرکاربرد مکالمه



— نویسنده و مترجم —

عزیز شیخه پور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

### تقدیم به مادرم

بهم ثابت کرد، زندگی با تمام سختی‌هاش نعمتی است که ارزش جنگیدن را دارد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## به نام خدا

## مقدمه:

افراد زیادی هستند که نمی‌دانند یادگیری زبان انگلیسی را از کجا شروع کنند، آنها سردرگم می‌شوند و منبع مناسبی برای یادگیری پیدا نمی‌کنند. شما اگر بخواهید یادگیری زبان را شروع کنید یا حتی اگر سطح متوسطی از زبان انگلیسی را بلد هستید، مستلزم به یادگیری لغات و افزایش دایره لغات خود هستید. از مهم‌ترین ارکان یادگیری زبان انگلیسی تسلط بر لغات است. در این کتاب **پرکاربردترین** لغات را برای شما گردآوری کرده‌ایم آنها را به خوبی مطالعه کنید و از پیشرفت خود لذت ببرید. بسیار سپاسگزاریم از اینکه **کتاب واژگان آزیباک** را انتخاب کرده‌اید.

**لطفا قبل از مطالعه واژه‌ها تمامی بخش‌ها را مطالعه کنید.**

## این کتاب چه ویژگی‌هایی دارد؟

- ✓ شامل ۲۲۴۸ واژه پرکاربرد است که بر اساس استاندارد وبسایت TalkEnglish.com<sup>1</sup> انتخاب شده‌اند.
- ✓ ساعت‌ها زمان صرف شده تا برای هر کلمه بهترین و پرکاربردترین معانی انتخاب شده است.
- ✓ برای هر کلمه تمامی شکل‌هایش (**اسم، فعل، صفت و ..**) در نظر گرفته شده است.
- ✓ تمامی کلمات با استفاده از تعریف انگلیسی‌شان تحلیل و سپس معنی شده‌اند.
- ✓ کلمات بر اساس میزان کاربردشان در مکالمه و متون انتخاب و مرتب شده‌اند.
- ✓ کتاب‌های ۵۰۴ و ۱۰۰۱ را تا حدی پوشش می‌دهد.
- ✓ این کتاب نمونه دیگری ندارد!

## برای کدام دسته از افراد مناسب است؟

- افرادی که سطح متوسطی دارند ولی قصد **مرور و افزایش** دایره لغات خود را دارند.
- افرادی که مبتدی هستند و قصد **یادگیری مکالمه** به زبان انگلیسی را دارند.
- برای کسانی که قصد شرکت در **آزمون‌های استخدامی** را دارند.
- افرادی که قصد **مهاجرت** دارند.
- برای دانشجویان گرامی
- برای کنکوری‌های عزیز

<sup>1</sup> یک وبسایت جهانی معتبر است که تیم اصلی آن در سیاتل آمریکا قرار گرفته و هدف اصلی آنها ارائه بهترین راهکارها برای آموزش مکالمه زبان انگلیسی است.



### این کتاب نسخه موبایلی برنامه نویسی شده دارد؟

اپلیکیشن این کتاب با امکانات عالی در **کافه بازار** و **مایکت** بانام **"واژگان آزیاک"** موجود است که می‌توانید آن را دریافت کنید. که در آن ۲۲۴۸ واژه به ۱۱ کتاب تقسیم شده است، هر کتاب شامل ۲۰۰ کلمه می‌باشد و برای هر کلمه یک درس کامل دارد که شامل **تعریف**، **مثال**، **کاربرد** و **تلفظ** است. جهت آشنایی با قسمت‌های اصلی برنامه به تصویر صفحه بعد (صفحه ۳) مراجعه شود.

### اپلیکیشن واژگان آزیاک چه ویژگی‌هایی دارد؟

تمامی ویژگی‌های ذکر شده کتاب را دارد به علاوه ویژگی‌ها و امکانات بیشتری که در زیر ذکر می‌شوند :

- زمینه برای تقویت مهارت‌های **گوش کردن**، **خواندن** و **صحبت کردن** را فراهم می‌کند.
- می‌توانید واژگان **دشوار** را نشان کنید تا بعدا بتوانید آنها را دوباره مطالعه کنید.
- این امکان فراهم شده تا بتوانید **املای** کلمات را تمرین کنید.
- تمامی کلمات دارای **تلفظ صوتی** است.
- شامل هزاران **تعریف** انگلیسی است.
- شامل هزاران **مثال** کاربردی است.
- تمام مثال‌ها قابلیت **پخش صوتی** دارند.
- تمامی کلمات دارای **درسنامه** هستند.

لینک دانلود برنامه در کافه بازار : [کلیک کنید](#)

لینک دانلود برنامه در مایکت : [کلیک کنید](#)



لوگوی اپلیکیشن واژگان آزیاک



## چرا واژگان آزیاک را نوشتیم؟!

سال ۹۶ کتابی بانام ۲۲۶۵ واژه ضروری برای انگلیسی را نوشتیم و در اینترنت منتشرش کردم. حالا اون هم استانداردهای خاص خودش را داشت و مخاطب‌هایی که ازش استفاده می‌کردند، رضایت داشتند و فیدبک‌های خوبی رو ازشون گرفتم و هنوز دارن ازش استفاده می‌کنند. دو بار بروز رسانیش کردم و دیگه بروز رسانیش نمی‌کنم. کتاب کاملی نبود! اما بر اساس گفته‌های مخاطبان نسبت به بعضی از کتاب‌های پولی بهتر بود. برای هر واژه فقط یک معنی در نظر گرفته بودم و واژه‌ها فقط یک شکل از آنها معنی شده بود. این کمبود، کتاب را ضعیف می‌کرد. حالا این یعنی چی؟ در کتابی که الان در دست شماست اگر توجه کنید واژه‌های مثل **Can** به دو شکل در این کتاب آمده است. یعنی به شکل **اسم و فعل** که برای هر شکل آن چند معنی آورده شده است. در این کتاب شما چیزی بیشتر از ۲۲۴۸ واژه را مطالعه می‌کنید درواقع اگر هرکدام از شکل کلمات را یک واژه جدا در نظر بگیرید در این کتاب ۳۰۰۳ واژه را یاد می‌گیرید. تمام کلمات تحلیل شده بعد معنی شده‌اند. البته این را در نظر داشته باشید ممکن است چند صفحه اول برایتان ساده باشد چون در واقع واژه‌ها براساس میزان کاربردشان مرتب شده‌اند و چون در گذشته در کتاب‌ها با واژه‌های صفحات اول زیاد برخورد داشته‌اید ساده به نظر می‌رسند. هر چه بیشتر مطالعه کنید کلمات جدیدتر می‌شوند. بله، کتاب **واژگان آزیاک : ۲۲۴۸ واژه پرکاربرد مکالمه**، خیلی کامل‌تر و جذاب‌تر از کتاب ۲۲۶۵ واژه ضروری انگلیسی است. حالا نه این‌که دیگه اون کتاب قدیمی غیرقابل استفاده باشه فقط در مقابل این یکی کتاب زیاد حرفی برای گفتن ندارد. حالا به‌خاطر این‌که این دو کتاب باهم اشتباه گرفته نشوند چون واقعا با هم فرق دارن و این کتاب خیلی کامل‌تر است. اسم این کتاب را **واژگان آزیاک** گذاشتم. **آزیاک** اسم یک جزیره‌ای در الاسکای آمریکاست.

## سخن نویسنده

بنده عزیز شیخه‌پور، کارشناس نرم‌افزار، برنامه‌نویس و مترجم، برای نوشتن این کتاب زمان و انرژی زیادی گذاشته‌ام لطفاً از آن به‌فصد سوءاستفاده کی‌برداری نکنید. **کاملاً رایگان بوده و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق فروش آن را ندارد و در صورت چاپ و تکثیر آن باید و باید!** به همین شکلی که هست چاپ و تکثیر شود. این کتاب قرار بر این بود غیر رایگان باشد اما به احترام **فرشته‌های** سانحه هوایی ۱۸ دی‌ماه سال ۱۳۹۸ رایگان شده است. برایتان آرزوی موفقیت و سربلندی دارم. مانا، امیدوار، جنگجو و سخت‌کوش باشید دوستان ...

## راه‌های ارتباطی

✓ تلگرام پشتیبانی: [telegram.me/aziakapp](https://t.me/aziakapp)  
 ✓ تلگرام نویسنده: [telegram.me/aziz\\_sheikhpour](https://t.me/aziz_sheikhpour)  
 ✓ ایمیل: [aziakapp@gmail.com](mailto:aziakapp@gmail.com)





شماره	واژگان انگلیسی	شکل واژه	واژگان فارسی
1	the	حرف تعریف معین	این
2	a	حرف تعریف نامعین	یک
3	you	ضمیر	شما، تو
4	are	فعل	هستیم، هستید، هستند
5	for	حرف اضافه	برای، به خاطر
6	that	ضمیر	آن، آن یکی
7	it	ضمیر	آن، این
8	as	قید	مانند، طبق، مثل، به اندازه
8	as	حرف ربط	چون، چنانکه، هنگامی که، در حالی که، همان طور که
9	be	فعل	بودن
10	on	حرف اضافه	بر، در، بر روی، روی
10	on	قید	روشن، برقرار، سوار
10	on	صفت	در حال استفاده، در حال وقوع
11	your	صفت	مال شما
12	with	حرف اضافه	با، به وسیله
13	can	فعل	قادر بودن، قدرت داشتن، امکان داشتن
13	can	اسم	قوطی، حلبی، قوطی کنسرو، محفظه استوانه‌ای
14	have	فعل	داشتن، دارا بودن، مالک بودن
15	this	ضمیر	این
16	an	حرف تعریف نامعین	یک
17	by	حرف اضافه	توسط، با، به وسیله، به دست، از، از کنار
17	by	قید	کنار، پیرامون، از پهلو
18	not	قید	نه، خیر
19	but	حرف ربط	اما، ولی
19	but	حرف اضافه	جز، بدون، با وجود، به استثنای
20	at	حرف اضافه	در، به، به طرف، به قرار
21	from	حرف اضافه	از، از روی، از پیش، به واسطه
22	I	ضمیر	من، خودم
23	they	ضمیر	آنها، ایشان، خودشان
24	more	صفت	بیشتر، زیادتر
24	more	قید	بیشتر، بعلاوه
25	will	اسم	اراده، خواست، وصیت، قصد، میل، وصیت‌نامه، نیت
26	if	حرف ربط	اگر، در صورتی که، هرگاه، کاش
27	some	صفت	تعدادی، چندین، اندکی، قدری



برخی، بعضی، کسی	ضمیر	some	27
آنجا، وجود داشتن، بودن	قید	there	28
چی، چه، چه چیز، آنچه، کدام	ضمیر	what	29
چگونه	قید	what	29
چقدر، چه اندازه، چه مقدار	صفت	what	29
چی!، چه!	حرف‌ندا	what	29
تقریباً، پیرامون	قید	about	30
درباره، راجع به، در مورد	حرف‌اضافه	about	30
در شرف، درصدد، نزد	صفت	about	30
کدام، که	ضمیر	which	31
چه زمانی، کی، که، زمانی که، وقتی که	قید	when	32
درحالی‌که، زمانی که، هر وقت، وقتی	حرف‌ربط	when	32
مال ایشان، مال آنها	صفت	their	33
همگی، تماماً، کاملاً، همه	قید	all	34
همه‌ی مردم، همه‌چیز	ضمیر	all	34
همچنین، نیز	قید	also	35
چگونه، چطور، چقدر، چند، هر طور، آن‌طور، همان‌طور	قید	how	36
فراوان، زیاد	صفت	many	37
تعداد زیادی، بسیاری (از مردم)	ضمیر	many	37
تعداد زیادی، بسیاری	اسم	many	37
انجام دادن	فعل	do	38
عمل کردن	فعل	do	38
کاری را کردن	فعل	do	38
داشتن، دارا بودن، مالک بودن	فعل	has	39
بیشترین، زیادترین	صفت	most	40
بیشتر، اکثر، بسیار	قید	most	40
مردم، خلق، قوم، ملت، جمعیت، طایفه	اسم	people	41
دیگر، دیگری، جز این	صفت	other	42
دیگر، دیگری، سایر، بقیه، آن‌یکی	ضمیر	other	42
زمان، وقت، ساعت، مدت، فرصت	اسم	time	43
وقت معین کردن	فعل	time	43
بسیار، آن‌قدر، همچنین، همین‌طور	قید	so	44
پس، بنابراین، لذا، به همین خاطر	حرف‌ربط	so	44
بود	فعل	was	45
ما، خودمان	ضمیر	we	46
اینها، اینان	ضمیر	these	47





ماه می	اسم	may	48
ممکن بودن، امکان داشتن	فعل	may	48
اجازه گرفتن	فعل	may	48
پسندیدن	فعل	like	49
شبیبه، مانند، مثل، همان‌طور	حرف اضافه	like	49
انگار	حرف ربط	like	49
مشابه، شبیه، همانند	صفت	like	49
استفاده کردن، بکار بردن	فعل	use	50
استفاده، مصرف، کاربرد	اسم	use	50
به، به‌سوی، به‌طرف، توی	حرف اضافه	into	51
که، تا اینکه	حرف ربط	than	52
بیدار	قید	up	53
پرشور و نشاط، پرهیجان، شاد	صفت	up	53
بالا، روی، بر فراز	حرف اضافه	up	53
بیرون، خارج، دور از، خاموش	قید	out	54
درآمده، منتشرشده، موجود، از مد افتاده	صفت	out	54
چه کسی، که، کی، چه شخصی، چه اشخاصی	ضمیر	who	55
آنها، ایشان	ضمیر	them	56
ساختن، درست کردن، ایجاد کردن	فعل	make	57
زیرا، چون، علت، برای اینکه	حرف ربط	because	58
چنین، مانند، مثل	صفت	such	59
از طریق، از میان، به‌واسطه، از وسط، تا، طی، سراسر	حرف اضافه	through	60
به‌واسطه، به خاطر، به‌وسیله، بدون توقف، یکسره	قید	through	60
تمام‌شده	صفت	through	60
گرفتن، رسیدن، به‌دست آوردن	فعل	get	61
کار، وظیفه، شغل	اسم	work	62
کار کردن، عمل کردن، زحمت کشیدن	فعل	work	62
مساوی، هموار، متعادل، مسطح، صاف	صفت	even	63
حتی، بلکه	قید	even	63
مختلف، متفاوت، متنوع، متمایز	صفت	different	64
مال آن	ضمیر	its	65
جدید، تازه، نو	صفت	new	66
فیلم، سینما، فیلم عکاسی، پرده نازک	اسم	film	67
فیلم برداشتن از	فعل	film	67
عادل، منصف	صفت	just	68
فقط، عیناً، اندکی پیش، الساعه	قید	just	68



فقط، تنها، تازه	قید	only	69
تنها	صفت	only	69
دیدن، فهمیدن، ملاقات کردن	فعل	see	70
استفاده شده	صفت	used	71
خوب، سودمند، صحیح، شایسته، پسندیده	اسم	good	72
خوب، خوش، نیکو، پسندیده، شایسته	صفت	good	72
آب، مایع	اسم	water	73
آب دادن	فعل	water	73
بوده	فعل	been	74
نیاز داشتن، محتاج بودن	فعل	need	75
نیاز، نیازمندی، لزوم، احتیاج	اسم	need	75
بسیار، خیلی، زیاد	قید	very	76
دقیق	صفت	very	76
باید	فعل	should	77
همه، هر، هرکدام، هر کس، هیچ، هیچ کس	قید	any	78
تاریخ، تاریخچه، سابقه، پیشینه	اسم	history	79
غالباً، بارها	قید	often	80
راه، روش، مسیر، سمت، طریق	اسم	way	81
چاه، چشمه	اسم	well	82
خوب، به خوبی	قید	well	82
هنر، فن، استعداد، استادی	اسم	art	83
دانستن، شناختن، آگاه بودن	فعل	know	84
بودند	فعل	were	85
سپس، پس، بعد، بعد از، آنگاه	قید	then	86
مال من	صفت	my	87
اولین، نخست، مقدم	صفت	first	88
اولاً	قید	first	88
خواهد شد، تمایل داشتن	فعل	would	89
پول، سرمایه، ثروت	اسم	money	90
هر یک، هر، هرکدام، هر چیز	قید	each	91
روی، بالای، بر فراز، در سرتاسر، مافوق	حرف اضافه	over	92
تمام شده، انجام شده	صفت	over	92
در بالا، سقوط	قید	over	92
جهان، دنیا، عالم، گیتی	اسم	world	93
اطلاعات، اطلاع، معلومات، اخبار	اسم	information	94
نقشه	اسم	map	95



پیدا کردن، کشف کردن، جستن	فعل	find	96
کجا	قید	where	97
جایی که، که	حرف ربط	where	97
بسیار، خیلی، زیاد	قید	much	98
خیلی زیاد، مقدار زیاد	صفت	much	98
گرفتن، فهمیدن، مصرف کردن	فعل	take	99
خواستن	فعل	want	100
مهم	صفت	important	101
خانواده، خاندان، فامیل، طایفه	اسم	family	102
آنها، آنان	ضمیر	those	103
مثال، نمونه، مثل، سرمشق، عبرت	اسم	example	104
هنگام	اسم	while	105
نگاه کردن، به نظر رسیدن	فعل	look	106
نگاه، ظاهر، نظر، قیافه	اسم	look	106
دولت، حکومت، فرمانداری	اسم	government	107
کمک، یاری	اسم	help	108
کمک کردن، مدد رساندن	فعل	help	108
قبلاً	قید	before	109
قبل از، پیش از	حرف اضافه	before	109
قبل از، قبل، پیش تر، سابق	حرف ربط	before	109
میان، در میان، بین، مابین	حرف اضافه	between	110
رفتن، گذراندن، راهی شدن	فعل	go	111
خود، خویشتن	صفت	own	112
داشتن	فعل	own	112
اما، هرچند، اگرچه	حرف ربط	however	113
به هر حال	قید	however	113
تجارت، حرفه، بنگاه، کسپوکار	اسم	business	114
عالی، بزرگ، کبیر، عظیم، بسیار، زیاد	صفت	great	115
او را، مال او (صفت ملکی مذکر)	صفت	his	116
مال او، برای او (مذکر)	ضمیر	his	116
وجود، هستی، موجود زنده، آفریده	اسم	being	117
دیگر، دیگری، سایر	صفت	another	118
یکی دیگر، شخص دیگر	ضمیر	another	118
سلامت، سلامتی، تندرستی	اسم	health	119
یکسان، همان، شبیه	صفت	same	120
مطالعه، اتاق مطالعه	اسم	study	121



درس خواندن، مطالعه کردن	فعل	study	121
چرا	قید	why	122
دلیل	حرف ربط	why	122
چرا!	حرف ندا	why	122
بازی، مسابقه	اسم	game	123
کم، تعداد کمی	صفت	few	124
چند	ضمیر	few	124
فکر کردن، اندیشیدن	فعل	think	125
ممکن بودن	فعل	might	126
قدرت، توان، توانایی، زور، نیرو، انرژی	اسم	might	126
آزاد کردن، رها کردن	فعل	free	127
آزاد، مختار، رایگان، مجانی، رها	صفت	free	127
مجانای، رایگان، آزاد	قید	free	127
هم، نیز، همچنین	قید	too	128
درست، راست، صحیح، مناسب	صفت	right	129
به درستی، راست، دقیقاً	قید	right	129
کار درست، حق، راست (سمت)	اسم	right	129
اصلاح کردن، درست کردن	فعل	right	129
داشتن، دارا بودن، مالک بودن	فعل	had	130
ساکن، خاموش، بی حرکت، راکد	صفت	still	131
هنوز، باز هم	قید	still	131
سیستم، نظام، دستگاه	اسم	system	132
مابعد، در پی، به دنبال، در نتیجه	حرف اضافه	after	133
بعد از، پس از	قید	after	133
کامپیوتر، رایانه، شمارنده، ماشین حساب	اسم	computer	134
بهترین، ممتاز	صفت	best	135
باید، می بایستی	فعل	must	136
زندگی، عمر، حیات، جان	اسم	life	137
او را، مال او (صفت ملکی مؤنث)	صفت	her	138
او را، به او (مؤنث)	ضمیر	her	138
از، از آن زمان	حرف اضافه	since	139
چون، از آنجایی که	حرف ربط	since	139
توانستن	فعل	could	140
انجام دادن، عمل کردن، کاری را انجام دادن	فعل	does	141
اکنون، حالا، الآن	قید	now	142
حالا (که)	حرف ربط	now	142



طی، در طی، هنگام، در مدت	حرف اضافه	during	143
یادگرفتن، فراگرفتن	فعل	learn	144
معمولاً	قید	usually	145
دوروبر، پیرامون، در حوالی، سرتاسر، اطراف، در نزدیکی	قید	around	146
حدود، دور، اطراف	حرف اضافه	around	146
فرم، شکل، روش، برگه	اسم	form	147
تشکیل دادن، فرم دادن	فعل	form	147
گوشت	اسم	meat	148
هوا، باد، فضا	اسم	air	149
اعلام کردن، انجام بحث یا گفتگوی عمومی	فعل	air	149
روز	اسم	day	150
قرار دادن، گذاشتن	فعل	place	151
محل، مکان، جایگاه	اسم	place	151
شدن	فعل	become	152
شماره، عدد، رقم، نمره	اسم	number	153
شمردن	فعل	number	153
عمومی، همگانی، اجتماعی، ملی	صفت	public	154
مردم، عموم، ملأعام، مکان عمومی	اسم	public	154
خواندن، مطالعه کردن	فعل	read	155
قرائت	اسم	read	155
نگهداری، توجه	اسم	keep	156
نگاه داشتن، حفظ کردن، ادامه دادن	فعل	keep	156
بخش، پاره، قطعه، جزء، عضو	اسم	part	157
جدا شدن، جدا کردن، ترک کردن	فعل	part	157
بخشی، قسمتی	صفت	part	157
شروع کردن	فعل	start	158
شروع، ابتدا، آغاز، مقدمه، مبدأ	اسم	start	158
سال	اسم	year	159
هر، همه	صفت	every	160
مزرعه، کشتزار، میدان	اسم	field	161
پاسخ دادن، به میدان رفتن	فعل	field	161
بزرگ، وسیع	صفت	large	162
یکبار، یکمرتبه، قبلاً، روزگاری، یکوقتی	قید	once	163
موجود، در دسترس	صفت	available	164
سر کشیدن، سریع نوشیدن	فعل	down	165
غمگین، پکر، افسرده، ازکارافتاده، کاهش یافته	صفت	down	165





پایین	قید	down	165
دادن، بخشیدن، ارائه دادن، رساندن	فعل	give	166
ماهی، انواع ماهیان، صید	اسم	fish	167
انسانی	صفت	human	168
هم، نیز	قید	both	169
هر دو	ضمیر	both	169
محلی، موضعی، مکانی	صفت	local	170
مطمئن، قطعی، مسلم	صفت	sure	171
چیزی، یک چیزی	ضمیر	something	172
بدون	حرف اضافه	without	173
بیرون، خارج از	قید	without	173
آمدن، رسیدن	فعل	come	174
من، مرا، خودم	ضمیر	me	175
عقب، پشت، تکیه‌گاه، کمر	اسم	back	176
بازگشتن، پشتیبانی کردن	فعل	back	176
پشتی، عقبی	صفت	back	176
بهتر	صفت	better	177
بهتر	قید	better	177
ژنرال، ارتشبد	اسم	general	178
عمومی، کلی، عام، همگانی	صفت	general	178
روند، فرایند	اسم	process	179
پردازش کردن، تهیه کردن	فعل	process	179
او، خودش (مؤنث)	ضمیر	she	180
حرارت، گرما، گرمی	اسم	heat	181
گرم کردن	فعل	heat	181
تشکر	اسم	thanks	182
خاص، ویژه، مخصوص	صفت	specific	183
کافی، بس، به اندازه	صفت	enough	184
طولانی، بلند	صفت	long	185
اشتیاق داشتن، آرزو داشتن، از ته دل خواستن	فعل	long	185
طولانی (مدت)، موقع	قید	long	185
قطعه (زمین)، چندین، توده انبوه	اسم	lot	186
دست، کمک، دخالت، عقربه	اسم	hand	187
دادن	فعل	hand	187
محبوب، مشهور	صفت	popular	188
کوچک، کم، خرد، ریز	صفت	small	189



اما، اگرچه	حرفربط	though	190
بااین حال، بهر حال	قید	though	190
تجربه	اسم	experience	191
تجربه کردن	فعل	experience	191
شامل بودن	فعل	include	192
کار، شغل، امر	اسم	job	193
موسیقی، موزیک، آهنگ، ساز	اسم	music	194
شخص، نفر، آدم، کس	اسم	person	195
واقعاً، راستی، درواقع	قید	really	196
تشکر کردن	فعل	thank	197
اما، بااینکه	حرفربط	although	198
کتاب، دفتر	اسم	book	199
رزرو کردن	فعل	book	199
اولیه، زود	صفت	early	200
مطالعه، قرائت	اسم	reading	201
پایان، خاتمه، انتها، آخر	اسم	end	202
خاتمه دادن، پایان یافتن، تمام شدن	فعل	end	202
روش، متد، شیوه، طریقه	اسم	method	203
هرگز، هیچگاه، هیچوقت، ابداً	قید	never	204
کمتر، کوچکتر	قید	less	205
کم اهمیت، پایین رتبه	صفت	less	205
بازی کردن، اجرا کردن، نواختن	فعل	play	206
تفریح، بازی، نمایش	اسم	play	206
توانایی، توانا، قابل، لایق	صفت	able	207
حس کردن، احساس کردن، لمس کردن	فعل	feel	208
نقطه، نکته، مرحله، امتیاز بازی	اسم	point	209
اشاره کردن، نشان دادن	فعل	point	209
نشنگی، سرخوشی، جریان پرفشار هوا	اسم	high	210
بلند، مرتفع، زیاد، بالا	صفت	high	210
در بالای، بر فراز، بالا	قید	high	210
نوع، گونه، الگو	اسم	type	211
تایپ کردن	فعل	type	211
خاموش، دور، رهسپار	قید	off	212
از روی، از کنار، به سوی	حرفافزافه	off	212
خاموش، بی موقع	صفت	off	212
چه، خواه	حرفربط	whether	213



غذا، خوراکی، خوراک	اسم	food	214
فهم، ادراک، توافق	اسم	understanding	215
داده، اطلاعات، داده‌ها، سوابق	اسم	data	216
اینجا	قید	here	217
اینجا	اسم	here	217
خانه، وطن، میهن، اقامت گاه	اسم	home	218
خانگی	صفت	home	218
(به) خانه	قید	home	218
قطعی	صفت	certain	219
اقتصاد، صرفه‌جویی	اسم	economy	220
کوچک، کم، اندک	صفت	little	221
نظریه، نگرش	اسم	theory	222
امشب	اسم	tonight	223
امشب	قید	tonight	223
قانون، حقوق، حق، قاعده	اسم	law	224
قرار دادن، گذاشتن	فعل	put	225
ارزش، بها، قیمت	اسم	value	226
سنجیدن، قیمت کردن	فعل	value	226
تحت، زیر	حرف اضافه	under	227
در زیر	قید	under	227
همیشه	قید	always	228
بدن	اسم	body	229
مشترک	صفت	common	230
بازار، مرکز تجارت	اسم	market	231
فروختن، به بازار عرضه کردن	فعل	market	231
مجموعه، دستگاه، دوره	اسم	set	232
قرار دادن، تنظیم کردن، جا انداختن	فعل	set	232
روشن، دقیق، واقع شده	صفت	set	232
پرنده، مرغ، جوجه	اسم	bird	233
راهنما، کتاب راهنما	اسم	guide	234
راهنمایی کردن، تعلیم دادن	فعل	guide	234
فراهم کردن، تأمین کردن	فعل	provide	235
تغییر، پول خرد	اسم	change	236
تغییر دادن، عوض شدن	فعل	change	236
علاقه، دلپستگی	اسم	interest	237
علاقه داشتن، علاقه‌مند بودن	فعل	interest	237



ادبیات، ادب و هنر	اسم	literature	238
گاهی، بعضی اوقات	قید	sometimes	239
مشکل، مسئله	اسم	problem	240
گفتن، بیان کردن	فعل	say	241
بعدی، کناری	صفت	next	242
ساختن، ایجاد کردن، خلق کردن	فعل	create	243
ساده، خام	صفت	simple	244
نرم افزار	اسم	software	245
توضیح دادن	فعل	state	246
حالت، چگونگی، دولت، ایالت، جمهوری، کشور	اسم	state	246
باهم، با همدیگر، با یکدیگر	قید	together	247
کنترل، بازرسی	اسم	control	248
کنترل کردن، نظارت کردن	فعل	control	248
دانش، علم، دانایی، آگاهی، اطلاع	اسم	knowledge	249
قدرت، برق، توان، نیرو، اقتدار	اسم	power	250
رادیو	اسم	radio	251
توانایی، قابلیت، شایستگی، صلاحیت	اسم	ability	252
پایه‌ای، اساسی، اصلی، بنیادی	صفت	basic	253
دوره، مسیر، جریان، روش، اصول	اسم	course	254
علم اقتصاد	اسم	economics	255
سخت، دشوار، مشکل، سفت، شدید	صفت	hard	256
با شدت، به شدت	قید	hard	256
افزودن، اضافه کردن	فعل	add	257
شرکت	اسم	company	258
معروف، مشهور	صفت	known	259
دوست داشتن، عاشق بودن	فعل	love	260
عشق، محبت، مهر، مهربانی	اسم	love	260
گذشته، قبلی، سابق	صفت	past	261
گذشته	اسم	past	261
قیمت، نرخ، بها، ارزش	اسم	price	262
قیمت گذاشتن	فعل	price	262
اندازه، سایز، میزان، مقدار	اسم	size	263
دور، دورافتاده	صفت	away	264
دور، دور از، بیرون	قید	away	264
بزرگ	صفت	big	265
اینترنت	اسم	internet	266





ممکن، امکان‌پذیر، محتمل	صفت	possible	267
تلویزیون	اسم	television	268
فهمیدن، درک کردن	فعل	understand	269
خودت، خود شما، شخص شما	ضمیر	yourself	270
مختلف، گوناگون، متنوع	صفت	various	271
کارت، ورق، کارت ویزیت، کارت تبریک، کارت عضویت	اسم	card	272
دشوار، مشکل، سخت	صفت	difficult	273
فهرست، لیست	اسم	list	274
فهرست کردن	فعل	list	274
ذهن، خاطر، عقل، خیال، خرد	اسم	mind	275
مراقب بودن، در نظر داشتن، توجه داشتن	فعل	mind	275
واقعی، حقیقی، راستین	صفت	real	276
تجارت، بازرگانی، دادوستد، کسب، شغل، حرفه، معامله	اسم	trade	277
معامله کردن، مبادله کردن	فعل	trade	277
شامل	حرف اضافه	including	278
علوم پایه، علم، دانش	اسم	science	279
خاص، ویژه، مخصوص	صفت	particular	280
تفکر کردن، در نظر گرفتن	فعل	consider	281
کتابخانه	اسم	library	282
محتمل، احتمالی	صفت	likely	283
طبیعت، ماهیت، سرشت، ذات، فطرت	اسم	nature	284
یا	حرف ربط	either	285
این یا اون یکی	صفت	either	285
واقعیت، حقیقت	اسم	fact	286
خط، ردیف، سطر، مسیر، رده، سیم، رشته، خط لوله	اسم	line	287
به خط کردن، خط کشیدن، آراستن	فعل	line	287
محصول	اسم	product	288
مراقبت، توجه	اسم	care	289
اهمیت دادن	فعل	care	289
کسی، شخصی، یک کسی، آدمی	ضمیر	someone	290
گروه، دسته، انجمن، جمعیت	اسم	group	291
گروه‌بندی کردن، دسته‌بندی کردن، طبقه‌بندی کردن	فعل	group	291
اندیشه، فکر، نقشه کار، نیت	اسم	idea	292
خطر، ریسک، مخاطره	اسم	risk	293
خطر کردن، ریسک کردن	فعل	risk	293
چندین	صفت	several	294





برخی از	ضمیر	several	294
دما، درجه حرارت	اسم	temperature	295
متحد، پیوسته	صفت	united	296
کلمه، واژه، حرف، لغت، سخن، گفتار، قول، پیغام	اسم	word	297
نوشتن یا گفتن چیزی با لغات	فعل	word	297
چربی، چاق، پیه	اسم	fat	298
چاق، فربه	صفت	fat	298
زور، نیرو، قوا، نفوذ، عده	اسم	force	299
زور زدن، مجبور کردن	فعل	force	299
کلید	اسم	key	300
کلیدی	صفت	key	300
نور، چراغ	اسم	light	301
آتش زدن، روشن کردن	فعل	light	301
روشن، سبک	صفت	light	301
امروز	قید	today	302
امروز	اسم	today	302
تا، تا وقتی که	حرف اضافه	until	303
تا	حرف ربط	until	303
تعلیم، پرورش، آموزش، تدریس	اسم	training	304
به سادگی	قید	simply	305
عمده، بزرگ، اعظم، مهم	صفت	major	306
رشته، سرگرد	اسم	major	306
نام، اسم	اسم	name	307
نامیدن	فعل	name	307
شخصی، خصوصی	صفت	personal	308
مدرسه، مکتب، دبستان، دبیرستان	اسم	school	309
بالا، رأس، قله، روپوش	اسم	top	310
فوقانی، عالی، بالاترین، اصلی، عمده، اساسی	صفت	top	310
حرفه‌ای بودن	فعل	top	310
جریان برق، آب، هوا	اسم	current	311
جاری، رایج، متداول، کنونی، فعلی	صفت	current	311
به طور کلی، عموماً، معمولاً	قید	generally	312
تاریخی	صفت	historical	313
سرمایه‌گذاری	اسم	investment	314
چپ (سمت)	اسم	left	315
چپ	صفت	left	315



ملی، قومی	صفت	national	316
مقدار، مبلغ، میزان	اسم	amount	317
سطح، میزان	اسم	level	318
نظم، ترتیب، سفارش، دستور، فرمان	اسم	order	319
سفارش دادن، دستور دادن، فرمان دادن	فعل	order	319
تمرین، عادت، ورزش	اسم	practice	320
تمرین کردن	فعل	practice	320
پژوهش، تحقیق، کاوش، جستجو	اسم	research	321
پژوهش کردن	فعل	research	321
حس، احساس، مفهوم، معنی	اسم	sense	322
حس کردن، احساس کردن، فهمیدن، پی بردن	فعل	sense	322
سرویس، خدمت، تشریفات، نظام وظیفه	اسم	service	323
سرویس کردن، روبه راه ساختن، خدمات دادن	فعل	service	323
ناحیه، منطقه، مساحت	اسم	area	324
برش، بریدگی، قطع، شکاف	اسم	cut	325
داغ، گرم، تند	صفت	hot	326
طبیعی	صفت	natural	327
قطعه، تکه، بخش	اسم	piece	328
نشان دادن، فهماندن	فعل	show	329
نمایش	اسم	show	329
امتحان، کوشش، آزمایش	اسم	try	330
سعی کردن، تلاش کردن، کوشیدن	فعل	try	330
بجای، در عوض، به عوض	قید	instead	331
کمترین، کوچکترین	صفت	least	332
کمترین، کوچکترین	قید	least	332
فیزیکی، مادی	صفت	physical	333
چکاب (پزشکی)	اسم	physical	333
جامعه، انجمن، اجتماع، جمعیت، گروه	اسم	society	334
بررسی، حواله، چک بانک، صورتحساب	اسم	check	335
بررسی کردن	فعل	check	335
انتخاب کردن، گزیدن، خواستن	فعل	choose	336
ایجاد کردن، توسعه دادن	فعل	develop	337
ثانیه، لحظه، ثانوی، ثانی	اسم	second	338
مفید، سودمند	صفت	useful	339
تارنکبوت، تنیده، بافته، وب	اسم	web	340
فعالیت	اسم	activity	341



رئیس، ارباب، کارفرما	اسم	boss	342
قدکوتاه، کوتاه، مختصر، قاصر، کسر دار، کم	صفت	short	343
داستان، قصه، گزارش، روایت، حکایت	اسم	story	344
صدا، دعوت، ندا، احضار، بانگ، فریاد	اسم	call	345
تماس گرفتن، صدازدن، فراخواندن، نامیدن	فعل	call	345
طول کشیدن، دوام داشتن	فعل	last	346
حرکت کردن، حرکت دادن	فعل	move	347
حرکت، اقدام، نقل مکان، جنبش، تکان	اسم	move	347
پرداخت، حقوق ماهیانه	اسم	pay	348
دستمزد دادن، پرداخت کردن، پول دادن، ادا کردن	فعل	pay	348
ورزش، بازی	اسم	sport	349
ورزش کردن، بازی کردن	فعل	sport	349
چیز، کار، یک عملی	اسم	thing	350
ذهنی، روانی، روحی، فکری	صفت	mental	351
رسانه‌ها، واسطه‌ها	اسم	media	352
صنعت	اسم	industry	353
واقعاً، در حقیقت	قید	actually	354
دور، بعید	صفت	far	355
دور	قید	far	355
سرگرمی، بازی، شوخی	اسم	fun	356
سرگرم‌کننده، جالب، باحال	صفت	fun	356
خانه، منزل، مسکن	اسم	house	357
منزل دادن، پناه دادن	فعل	house	357
اجازه دادن	فعل	let	358
صفحه، برگه	اسم	page	359
به خاطر آوردن، به یادآوردن	فعل	remember	360
آزمایش، آزمون	اسم	test	361
امتحان کردن	فعل	test	361
علیه، در برابر، در مقابل، ضد، مخالف، برعلیه	حرف اضافه	against	362
در حدود (زمان)، در محدوده (مکان)، درون	حرف اضافه	within	363
در داخل	قید	within	363
مدت، دوره، مهلت	اسم	term	364
در امتداد، در طول	حرف اضافه	along	365
به پیش، همراه، حوالی	قید	along	365
پاسخ، جواب، دفاع	اسم	answer	366
پاسخ دادن، جواب دادن	فعل	answer	366



زیادشدن، افزودن، زیاد کردن	فعل	increase	367
افزایش، رشد، توسعه، اضافه	اسم	increase	367
فر، اجاق، کوره، تنور، بخاری	اسم	oven	368
کاملاً، واقعاً، تماماً، به‌کلی	قید	quite	369
هراسان، ترسان، سراسیمه	صفت	scared	370
تنها، مجرد، تک، انفرادی، یک‌نفره، یک‌طرفه (بلیت)	صفت	single	371
تک آهنگ، انفرادی، بلیت یک‌طرفه، یک‌دلاری	اسم	single	371
صدا، صوت، اوا، بانگ	اسم	sound	372
معقول، خوب، سالم	صفت	sound	372
انجمن، اجتماع، عموم	اسم	community	373
تعریف، تعیین	اسم	definition	374
مرکز توجه، تمرکز، کانون	اسم	focus	375
متمرکز کردن، تمرکز کردن، میزان کردن	فعل	focus	375
فرد، شخص	اسم	individual	376
شخصی، فردی، تک	صفت	individual	376
چیز، موضوع، مسئله، اهمیت	اسم	matter	377
اهمیت داشتن، مهم بودن	فعل	matter	377
امنیت، ایمنی، سلامت	اسم	safety	378
گردش، چرخش، نوبت، تغییر جهت	اسم	turn	379
دور زدن، چرخیدن	فعل	turn	379
از نو، دوباره، مجدداً	قید	again	380
مهربان، بامحبت، خوش خلق	صفت	kind	381
نوع، گونه، جنس، جور	اسم	kind	381
کیفیت، خصوصیت، صفت	اسم	quality	382
مرغوب، عالی	صفت	quality	382
خاک	اسم	soil	383
همه‌چیز	ضمیر	everything	384
پرسیدن، سؤال کردن، خواستن، جویا شدن	فعل	ask	385
خرید، خریداری	اسم	buy	386
خریدن، خرید کردن	فعل	buy	386
نگهداری	اسم	hold	387
در دست داشتن، نگه داشتن	فعل	hold	387
زبان، کلام	اسم	language	388
بعدی، اواخر	صفت	later	389
بعد، بعداً، دیرتر	قید	later	389
اصلی، عمده، مهم، مرکزی	صفت	main	390





لوله اصلی، سیم اصلی	اسم	main	390
پیشنهاد کردن، تقدیم کردن، پیشکش کردن	فعل	offer	391
پیشنهاد، ارائه، عرضه	اسم	offer	391
نفت، روغن، چربی	اسم	oil	392
مجسم کردن، با عکس نشان دادن	فعل	picture	393
تصویر، عکس، رسم، سینما	اسم	picture	393
ممکن، امکان پذیر، محتمل	صفت	potential	394
پتانسیل	اسم	potential	394
نسبتاً	قید	rather	395
حرفه	اسم	professional	396
حرفه‌ای	صفت	professional	396
نگهبان، پاسدار، محافظ، پوشش	اسم	guard	397
نگهبانی دادن، پاسداری کردن، محافظت کردن	فعل	guard	397
رشد، توسعه، پیشرفت	اسم	development	398
تخته، هیئت‌مدیره، میز غذا	اسم	board	399
سوارشدن	فعل	board	399
دسترسی، دستیابی	اسم	access	400
دسترسی داشتن	فعل	access	400
تقریباً	قید	almost	401
باغ، باغچه، بوستان	اسم	garden	402
بین‌المللی	صفت	international	403
پایین آوردن	فعل	lower	404
باز کردن، گشودن، افتتاح کردن	فعل	open	405
باز، صریح، بی‌آلایش، صادق، زک	صفت	open	405
بازیکن، نوازنده، هنرپیشه	اسم	player	406
آراستن، میزان کردن	فعل	range	407
محدوده، برد، حدود	اسم	range	407
دلیل، علت، سبب، مناسبت	اسم	reason	408
دلیل آوردن، استدلال کردن	فعل	reason	408
مسافرت رفتن، سفر کردن، پیمودن	فعل	travel	409
سفر، مسافرت، حرکت	اسم	travel	409
ویدیو، کلیپ، فیلم	اسم	video	410
هفته، هفت روز	اسم	week	411
اضافی، افزوده، فرعی	صفت	additional	412
بخصوص	قید	especially	413
مدیران، مدیریت، اداره	اسم	management	414





تنوع، گوناگونی، نوع	اسم	variety	415
سنجیدن، ارزیابی کردن	فعل	rate	416
نرخ، سرعت، میزان	اسم	rate	416
آینده	اسم	future	417
آتی، بعدی	صفت	future	417
محل، مکان، موقعیت	اسم	site	418
بالا، برتر، به بالا	قید	above	419
فوق، بالای، فراز، مافوق	حرف اضافه	above	419
نام برده	صفت	above	419
بالا	اسم	above	419
آشپز	اسم	cook	420
پختن، طبخ کردن	فعل	cook	420
تعیین کردن، معین کردن، مشخص کردن	فعل	determine	421
مناسب، مطابق	صفت	according	422
با توجه	فعل	according	422
درخواست، تقاضا، مطالبه، نیاز	اسم	demand	423
همیشه، هرگز	قید	ever	424
ورزش، تمرین، مشق	اسم	exercise	425
تمرین کردن، تمرین دادن، استعمال کردن، عمل کردن	فعل	exercise	425
تصویر، تمثال	اسم	image	426
به سرعت، سریعاً	قید	quickly	427
ویژه، خاص، مخصوص	صفت	special	428
کارگری	صفت	working	429
بر اساس	حرف اضافه	following	430
پیروی، تعقیب	اسم	following	430
پیرو	صفت	following	430
غیرمعمول	صفت	alternative	431
جایگزین، چاره	اسم	alternative	431
پرونده، مورد	اسم	case	432
علت، موجب، سبب	اسم	cause	433
ساحل، دریاکنار	اسم	coast	434
شاید	قید	probably	435
امنیت	اسم	security	436
درست، واقعی، صحیح	صفت	true	437
کل، مجموع، تمام، کامل	صفت	whole	438
مجموع، تمام، کامل، همه	اسم	whole	438



عمل، اقدام، حرکت، رفتار	اسم	action	439
سن، عمر	اسم	age	440
پیر شدن	فعل	age	440
بد	صفت	bad	441
قایق	اسم	boat	442
کشور، مملکت	اسم	country	443
رقص	اسم	dance	444
رقصیدن	فعل	dance	444
امتحان، معاینه، آزمون، آزمایش	اسم	exam	445
بهانه، عذر، پوزش	اسم	excuse	446
معذور داشتن، معذرت خواستن	فعل	excuse	446
بزرگ شدن، رشد کردن، رویدن	فعل	grow	447
سینما، فیلم سینما	اسم	movie	448
ضبط کردن، ثبت کردن، بایگانی کردن	فعل	record	449
ضبط، ثبت، پیشینه، سابقه، موزیک	اسم	record	449
نتیجه، حاصل، اثر، دست آورد	اسم	result	450
منجر شدن، نتیجه دادن	فعل	result	450
میان، در میان	حرف اضافه	among	451
سازمان، تشکیلات	اسم	organization	452
بخش، قسمت، برش، قطعه	اسم	section	453
قبلاً، پیش از این	قید	already	454
در زیر، پایین	قید	below	455
کمتر از	قید	below	455
ساختمان، بنا، عمارت، خانه	اسم	building	456
ماوس، موش، موش خانگی	اسم	mouse	457
سراسر، سرتاسر	حرف اضافه	across	458
در سراسر، از میان، از عرض	قید	across	458
اجازه دادن	فعل	allow	459
پول، صندوق پول، موجودی	اسم	cash	460
کلاس، طبقه، رده، دسته، نوع، سنخ، رسته	اسم	class	461
واضح، صاف، شفاف، معلوم، زلال، آشکار	صفت	clear	462
روشن کردن، واضح کردن، تبرئه کردن، زدودن	فعل	clear	462
خشک کردن	فعل	dry	463
خشک	صفت	dry	463
آسان، ساده	صفت	easy	464
آسان، ساده	قید	easy	464



عاطفی	صفت	emotional	465
تجهیزات	اسم	equipment	466
زندگی کردن، زیستن، زنده بودن، سکونت داشتن	فعل	live	467
زنده، دایر	صفت	live	467
دوره، مدت، زمان، عصر، نقطه	اسم	period	468
طرح دادن، طرح ریختن، نقشه کشیدن	فعل	plan	469
طرح، برنامه، نقشه	اسم	plan	469
فروشگاه، مغازه، ذخیره	اسم	store	470
ذخیره کردن، انبار کردن	فعل	store	470
هیچ چیز، هیچ کار، هیچ	ضمیر	nothing	471
هیچ چیز، اصلاً	قید	nothing	471
فیزیک	اسم	physics	472
مالیات، خراج	اسم	tax	473
مالیات دادن، مالیات بستن، مالیات گرفتن	فعل	tax	473
تحلیل، تجزیه، آزمایش	اسم	analysis	474
سرد، خنک	صفت	cold	475
سرما، سرماخوردگی	اسم	cold	475
کامل، پر، تمام، لبریز	صفت	full	476
پایین، کم، اندک	صفت	low	477
پایین، تنگنا	اسم	low	477
قدیمی، پیر، کهنه، گذشته، سابق، سالخورده، فرسوده	صفت	old	478
خرید، خریداری	اسم	purchase	479
خریدن، خرید کردن	فعل	purchase	479
سریالی	صفت	series	480
سمت، طرف، جانب، پهلو	اسم	side	481
موضوع، فاعل	اسم	subject	482
عرضه کردن، تأمین کردن، تهیه کردن، تدارک دیدن	فعل	supply	483
ذخیره، موجودی، لزوم	اسم	supply	483
فکر، اندیشه، تفکر	اسم	thought	484
بنابراین، ازاین رو، به دلیل آن	قید	therefore	485
تجاری	اسم	commercial	486
مستقیم، مستقیماً، یک راست	قید	directly	487
گرفتار، پیچیده، مبهم	صفت	involved	488
سیاست، خطمشی، بیمه نامه	اسم	policy	489
سیاسی	صفت	political	490
خودش	ضمیر	itself	491



اساس، پایه، مبنا	اسم	basis	492
دوست‌پسر (عاشقانه)	اسم	boyfriend	493
معامله	اسم	deal	494
معامله کردن	فعل	deal	494
جهت، مسیر، سمت، هدایت، دستور	اسم	direction	495
معنی داشتن، منظور داشتن، قصد داشتن	فعل	mean	496
بدجنس، پست، بد	صفت	mean	496
اولیه، اصلی، ابتدایی، مقدماتی	صفت	primary	497
فضا، فاصله، جا، مساحت	اسم	space	498
فاصله دادن	فعل	space	498
استراتژی	اسم	strategy	499
تکنولوژی	اسم	technology	500
ارزش، قیمت، بها، ثروت	اسم	worth	501
ارزشمند	صفت	worth	501
ارتش، سپاه، لشکر	اسم	army	502
هنوز، حالا، تا به حال، تاکنون	قید	yet	503
درعین حال، ولی	حرف ربط	yet	503
دوربین	اسم	camera	504
سقوط، افت، پایین	اسم	fall	505
سقوط کردن، ویران شدن، پایین آمدن	فعل	fall	505
آزادی، استقلال	اسم	freedom	506
کاغذ، ورقه، مقاله، روزنامه	اسم	paper	507
قانون، قاعده، حکم	اسم	rule	508
حکومت کردن، اقتدار داشتن، حکم کردن	فعل	rule	508
مشابه، شبیه، همانند، مانند	صفت	similar	509
موجودی (در انبار)، سهم، سرمایه	اسم	stock	510
انبار کردن، ذخیره کردن	فعل	stock	510
آب و هوا	اسم	weather	511
پشت سر گذاشتن، تحمل کردن، برگزار کردن، باد دادن	فعل	weather	511
آوردن، رساندن به	فعل	bring	512
شانس، فرصت، بخت	اسم	chance	513
اتفاقی، تصادفی	صفت	chance	513
شکل، رقم، عدد، ظاهر، طرح	اسم	figure	514
تصور کردن، کشیدن، شمردن، حساب کردن	فعل	figure	514
بهبتر کردن، اصلاح کردن، بهبود دادن	فعل	improve	515
مرد، انسان، بشر، آدم	اسم	man	516





گرداندن، اداره کردن	فعل	man	516
مثبت، قطعی	صفت	positive	517
محصول	اسم	produce	518
تولید کردن	فعل	produce	518
جستجو، کاوش، بازرسی، تجسس	اسم	search	519
جستجو کردن، گشتن، پژوهیدن	فعل	search	519
منبع، منشأ، مبدأ، چشمه، مأخذ	اسم	source	520
هرکسی، هر کس	ضمیر	everyone	521
محیط	اسم	environment	522
مدل، نمونه، طرح	اسم	model	523
شکل دادن، نمونه قرار دادن، طراحی کردن	فعل	model	523
لازم، ضروری، واجب	صفت	necessary	524
شروع، آغاز	اسم	beginning	525
کودک، بچه، طفل، خردسال، فرزند	اسم	child	526
زمین، خاک	اسم	earth	527
سالم، سلامت، تندرست، سرحال	صفت	healthy	528
نمونه، مثال	اسم	instance	529
نگه داشتن، حفظ کردن، برقرار داشتن، نگهداری کردن	فعل	maintain	530
ماه	اسم	month	531
هدیه، تقدیم، پیشکش، زمان حال	اسم	present	532
ارائه دادن، معرفی کردن، عرضه داشتن، تقدیم کردن	فعل	present	532
حاضر، موجود، فعلی، کنونی	صفت	present	532
برنامه، دستور کار	اسم	program	533
خرج کردن، صرف کردن، صرف شدن	فعل	spend	534
صحبت، مکالمه، سخن، گفتگو، مذاکره، حرف	اسم	talk	535
سخن گفتن، حرف زدن	فعل	talk	535
حقیقت، راستی، صداقت	اسم	truth	536
ناراحت کردن، آشفته کردن	فعل	upset	537
ناراحت	صفت	upset	537
دیگر، جز این	قید	else	538
شروع کردن، آغاز کردن، آغاز شدن	فعل	begin	539
جوجه، جوجه مرغ	اسم	chicken	540
پایان، خاتمه	اسم	close	541
بستن، مسدود کردن، خاتمه دادن، تعطیل شدن	فعل	close	541
نزدیک	قید	close	541
نزدیک، خودمانی، صمیمی	صفت	close	541





ویژگی، خصوصیات، طرح صورت	اسم	feature	542
نمایان کردن، به طور برجسته نشان دادن	فعل	feature	542
سر، روی سکه، رئیس، رهبر	اسم	head	543
سر گذاشتن به، ریاست داشتن بر، رهبری کردن	فعل	head	543
ماده، جنس، جسم	اسم	material	544
مادی، مهم	صفت	material	544
پزشکی، طبی، دارویی	صفت	medical	545
سؤال، پرسش، مسئله	اسم	question	546
پرسیدن، پرسش کردن، تردید داشتن، تحقیق کردن	فعل	question	546
سنگ، صخره، موسیقی راک	اسم	rock	547
تکان نوسانی دادن، جنباندن	فعل	rock	547
نمک	اسم	salt	548
شور	صفت	salt	548
گفتن، تعریف کردن	فعل	tell	549
دانشگاه	اسم	university	550
نوشته، نویسندگی، دست خط	اسم	writing	551
خودشان	ضمیر	themselves	552
خلاق، مبتکر	صفت	creative	553
طرح، نقشه	اسم	design	554
طرح کردن، قصد کردن	فعل	design	554
مالی	صفت	financial	555
بازاریابی	اسم	marketing	556
هدف، منظور، مقصود، قصد، نیت	اسم	purpose	557
سنتی، مرسوم	صفت	traditional	558
عمل، کار	اسم	act	559
عمل کردن، رفتار کردن، بازی کردن	فعل	act	559
تولد، پیدایش	اسم	birth	560
ماشین، اتومبیل، واگن	اسم	car	561
هزینه، ارزش، خرج، بها	اسم	cost	562
ارزیدن، قیمت داشتن، ارزش داشتن	فعل	cost	562
سگ	اسم	dog	563
رانندگی، درایو کامپیوتر	اسم	drive	564
راندن	فعل	drive	564
وجود داشتن، بودن، زیستن، موجود بودن	فعل	exist	565
دروازه (فوتبال)، هدف	اسم	goal	566
سبز، تازه، خام، نارس، خرم، بی تجربه	صفت	green	567



آخر، انتها، مرحوم، درگذشته، دیر، با تأخیر، دیروقت	صفت	late	568
دیر، دیروقت، اواخر	قید	late	568
اخبار، خبر	اسم	news	569
شیء، چیز، هدف، موضوع	اسم	object	570
رد کردن، مخالفت کردن، اعتراض کردن	فعل	object	570
خورشید، آفتاب	اسم	sun	571
پشتیبانی، کمک	اسم	support	572
حمایت کردن، پشتیبانی کردن، طرفداری کردن	فعل	support	572
مقاله، شیء، چیز	اسم	article	573
شعبه، بخش، قسمت	اسم	department	574
تفاوت، اختلاف، فرق	اسم	difference	575
مقیاس، اندازه	اسم	scale	576
بیمودن، مقیاس کردن	فعل	scale	576
گرایش داشتن، میل کردن، نگهداری کردن	فعل	tend	577
بدین ترتیب، پس، بنابراین	قید	thus	578
فدرال	صفت	federal	579
حضور	اسم	audience	580
لذت بردن	فعل	enjoy	581
کل، تمام، سراسر	صفت	entire	582
ماهیگیری	اسم	fishing	583
خوشحال بودن	فعل	glad	584
رشد، افزایش، پیشرفت، تومور	اسم	growth	585
درآمد	اسم	income	586
ازدواج، عروسی	اسم	marriage	587
یادداشت، نت	اسم	note	588
یادداشت کردن، توجه کردن	فعل	note	588
اجرا کردن، انجام دادن	فعل	perform	589
مناسب، مخصوص، بجا، بموقع	صفت	proper	590
مربوط، وابسته، منسوب	صفت	related	591
برداشتن، بردن، زدودن، برداشت کردن، از جا برداشتن	فعل	remove	592
اجاره دادن، کرایه کردن، اجاره کردن	فعل	rent	593
اجاره، کرایه	اسم	rent	593
برگشتن، برگشت دادن، پس دادن	فعل	return	594
برگشت، عودت	اسم	return	594
دویدن، راندن، اداره کردن	فعل	run	595
دو، رانش، تک	اسم	run	595



سرعت، شتاب	اسم	speed	596
سرعت گرفتن، با سرعت راندن	فعل	speed	596
قوی، مستحکم، نیرومند	صفت	strong	597
کاربر، استعمال کننده	اسم	user	598
جنگ	اسم	war	599
هیجان، بند، غش، بیهوشی، تشنج، حمله	اسم	fit	600
متناسب کردن، اندازه بودن، مناسب بودن برای	فعل	fit	600
مناسب، سازگار، تندرست	صفت	fit	600
سود، منفعت	اسم	profit	601
سود بردن، منفعت بردن، فایده رساندن	فعل	profit	601
سیک، شیوه، روش، سلیقه	اسم	style	602
مد کردن، متداول شدن	فعل	style	602
سراسر، سرتاسر، تماماً	حرف اضافه	throughout	603
واقعی، حقیقی	صفت	actual	604
بانک، ساحل، ضرابخانه	اسم	bank	605
ترکیب، ادغام، آمیزش	اسم	combination	606
محتوا، مقدار	اسم	content	607
راضی، خرسند، خوشنود	صفت	content	607
سزاوار	صفت	due	608
بدهی، حق، حقوق	اسم	due	608
به آسانی	قید	easily	609
شکست، خرابی، عدم موفقیت، قصور	اسم	failure	610
نیم، نیمه، نصف	اسم	half	611
به طور ناقص	قید	half	611
داخلی، باطنی، درونی	صفت	inside	612
زندان، به داخل	قید	inside	612
معنی، مفهوم، مقصود	اسم	meaning	613
پزشکی، طب، دارو	اسم	medicine	614
میانی، وسطی، متوسط، وسط، میانه	صفت	middle	615
بیرون، خارج از	قید	outside	616
خارجی، بیرونی، ظاهری	صفت	outside	616
منظم، عادی، مرتب، باقاعده	صفت	regular	617
رزرو کردن، اندوختن	فعل	reserve	618
ذخیره، اندوخته، یدکی، حفاظ	اسم	reserve	618
استاندارد، معیار، الگو	اسم	standard	619
مناسب	صفت	appropriate	620



مجموعه، عقده	اسم	complex	621
پیچیده	صفت	complex	621
هنر، مهارت	اسم	craft	622
مهارت داشتن، ساختن	فعل	craft	622
مؤثر، قابل اجرا، مفید	صفت	effective	623
در نهایت، سرانجام، بالاخره	قید	eventually	624
دقیقاً، کاملاً، عیناً	قید	exactly	625
فلسفه، حکمت	اسم	philosophy	626
اتوبوس	اسم	bus	627
تصمیم گرفتن، مصمم شدن	فعل	decide	628
چشم، بینایی	اسم	eye	629
دیدن، نگاه کردن	فعل	eye	629
سریع، تند، فوری	صفت	fast	630
سریع، به سرعت	قید	fast	630
آتش، شلیک، تیر	اسم	fire	631
شلیک کردن، بیرون کردن، اخراج کردن، آتش زدن	فعل	fire	631
ترک کردن، رها کردن، رفتن، گذاشتن، ول کردن	فعل	leave	632
مرخصی، اجازه	اسم	leave	632
اصل، اصیل، بکر، ابتکاری	صفت	original	633
موقعیت، مکان، مقام، جایگاه، شغل	اسم	position	634
قرار دادن	فعل	position	634
رسیدن به، نائل شدن، نائل شدن به	فعل	reach	635
برد، کشش	اسم	reach	635
استراحت کردن، آسودن، تکیه دادن	فعل	rest	636
استراحت، باقی، باقی مانده	اسم	rest	636
پیشخدمتی کردن، خدمت کردن	فعل	serve	637
استرس، فشار، اهمیت	اسم	stress	638
تأکید کردن، پریشان کردن	فعل	stress	638
معلم، مدرس، مربی، دبیر	اسم	teacher	639
مراقبت کردن، نگرهبانی دادن، پاسداری کردن	فعل	watch	640
ساعت، دیدبان، مراقبت	اسم	watch	640
وسیع، عریض، پهن، گشاد	صفت	wide	641
گشوده، باز، کاملاً	قید	wide	641
تبادل، مبادله	اسم	exchange	642
مبادله کردن، عوض کردن	فعل	exchange	642
شناختن، تشخیص هویت دادن	فعل	identify	643





مستقل، خودمختار	صفت	independent	644
فشار، سنگینی، زور	اسم	pressure	645
خوشگل، زیبا، قشنگ	صفت	beautiful	646
سود، منفعت، مزایا	اسم	benefit	647
فایده رساندن، فایده بردن	فعل	benefit	647
جعبه، صندوق	اسم	box	648
هزینه، اتهام، عهده‌داری، حمله	اسم	charge	649
طلب کردن پول، متهم کردن، زیر بار کشیدن، پر کردن	فعل	charge	649
ارتباطات، مخابرات	اسم	communication	650
کامل کردن، خاتمه دادن، انجام دادن	فعل	complete	651
تکمیل، کامل، تمام	صفت	complete	651
ادامه دادن، دنبال کردن	فعل	continue	652
مسئله، موضوع	اسم	issue	653
صادر کردن، صادر شدن، انتشار دادن	فعل	issue	653
شب	اسم	night	654
حفاظت کردن، حمایت کردن، مصون کردن	فعل	protect	655
نیاز داشتن، لازم بودن، خواستن	فعل	require	656
گام، قدم، مرحله، پله	اسم	step	657
قدم زدن، قدم برداشتن	فعل	step	657
موفق، کامیاب، پیروز	صفت	successful	658
مگر، مگر اینکه	حرف ربط	unless	659
مزیت، برتری، سود، فایده	اسم	advantage	660
قاب، چهارچوب	اسم	frame	661
قاب کردن، قاب گرفتن، بیان کردن	فعل	frame	661
محدود	صفت	limited	662
خیلی مهم، قابل توجه، معنی دار	صفت	significant	663
فعال	صفت	active	664
زنگ تفریح، شکستن، نقض کردن	اسم	break	665
شکستن، نقض کردن، از هم باز کردن	فعل	break	665
الکتریکی	صفت	electrical	666
انرژی، نیرو	اسم	energy	667
گران	صفت	expensive	668
صورت، چهره، قیافه، رو	اسم	face	669
مواجهه شدن، رویاروی شدن	فعل	face	669
مشتاق، علاقه مند	صفت	interested	670
بخش، فقره، رقم	اسم	item	671





فلز، ماده، جسم، ماده مذاب	اسم	metal	672
ملت، کشور، امت، قوم، طایفه	اسم	nation	673
منفی، منفی نگر	صفت	negative	674
نگاتیو، منفی	اسم	negative	674
رخ دادن، اتفاق افتادن	فعل	occur	675
رنگ	اسم	paint	676
رنگ کردن، نقاشی کردن	فعل	paint	676
مرور، خلاصه	اسم	review	677
مرور کردن، دوره کردن	فعل	review	677
جاده، راه، مسیر	اسم	road	678
فضا، اتاق، خانه	اسم	room	679
امن، ایمن، بی خطر، مطمئن	صفت	safe	680
گاوصندوق	اسم	safe	680
سوپ، آبگوشت	اسم	soup	681
ماندن، توقف کردن	فعل	stay	682
توقف	اسم	stay	682
ساختار، ساخت، ساختمان، سازمان	اسم	structure	683
تشکیلات دادن	فعل	structure	683
ملاقات کردن، زیارت کردن، عیادت کردن	فعل	visit	684
بازدید، عیادت، دیدار	اسم	visit	684
نوشتن، تألیف کردن	فعل	write	685
اشتباه، غلط، خطا، نادرست	صفت	wrong	686
به اشتباه	قید	wrong	686
غلط، کار غلط	اسم	wrong	686
علم شیمی	اسم	chemistry	687
چرخه، دوره	اسم	cycle	688
مرض، ناخوشی	اسم	disease	689
هارددیسک، دیسک، قرص	اسم	disk	690
حامله، باردار	صفت	pregnant	691
نقش، وظیفه	اسم	role	692
صفحه نمایش	اسم	screen	693
چشم انداز، نظر، دید، عقیده	اسم	view	694
دیدن	فعل	view	694
دیداری، بصری، دیدنی، عینی	صفت	visual	695
حساب، گزارش، صورت حساب	اسم	account	696
حساب کردن، شمردن، حساب پس دادن	فعل	account	696



اعلان، آگهی	اسم	advertising	697
تغییر دادن، اثر کردن بر، متأثر کردن	فعل	affect	698
اجتناب کردن، دوری کردن	فعل	avoid	699
توپ، گلوله، رقص	اسم	ball	700
پوشش، سرپوش، روپوش، جلد	اسم	cover	701
پوشاندن، پنهان کردن، تأمین کردن	فعل	cover	701
محل، مکان، موقعیت، جا	اسم	location	702
متوسط، معتدل	صفت	medium	703
رسانه، وسیله	اسم	medium	703
ساختن، فراهم نمودن، آماده کردن	فعل	prepare	704
سریع، فوری، تند، چابک	صفت	quick	705
آماده، مهیا، فراهم	صفت	ready	706
گزارش دادن	فعل	report	707
گزارش	اسم	report	707
از خواب برخاستن، بالا آمدن، بالا رفتن، ترقی کردن	فعل	rise	708
صعود، طلوع، ترقی، پیشرفت	اسم	rise	708
سهام داشتن، سهم دادن	فعل	share	709
سهم، بخش، قسمت	اسم	share	709
موفقیت، پیروزی، کامیابی	اسم	success	710
پیش، قبل، گذشته	قید	ago	711
هرکسی، هر کس	ضمیر	anyone	712
پشت سر، پشت	حرف اضافه	behind	713
پشت، عقب	قید	behind	713
پایین تر	صفت	behind	713
رویکرد	اسم	approach	714
نزدیک شدن	فعل	approach	714
قطعاً، مطمئناً، یقیناً، حتماً	قید	certainly	715
نگران	صفت	concerned	716
انضباط، نظم	اسم	discipline	717
منضبط کردن	فعل	discipline	717
به طور معمول، نرمال	قید	normally	718
تعادل، ترازو، توازن، تراز	اسم	balance	719
متعادل کردن، برابر کردن، تعادل داشتن	فعل	balance	719
سیاه، مشکی، تیره	صفت	black	720
پایین، زیر، ته، کف، باسن	اسم	bottom	721
پایین، زیر، ته، کف	صفت	bottom	721



ساخت، بنا	اسم	build	722
ساختن	فعل	build	722
هدیه، موهبت، استعداد	اسم	gift	723
اثر شدید، ضربه، اصابت	اسم	impact	724
برخورد کردن، با شدت اصابت کردن	فعل	impact	724
دستگاه، ماشین	اسم	machine	725
علم ریاضی	اسم	math	726
لحظه	اسم	moment	727
نقاشی	اسم	painting	728
شکل، صورت	اسم	shape	729
شکل دادن	فعل	shape	729
مستقیم، صریح، درست، صادق، رُک	صفت	straight	730
مستقیم، مستقیماً، یک راست	قید	straight	730
راه رفتن، گام زدن، قدم زدن	فعل	walk	731
پیاده‌روی	اسم	walk	731
سفید	صفت	white	732
سفید	اسم	white	732
باد	اسم	wind	733
چرخاندن، پیچاندن	فعل	wind	733
جمع، اضافه	اسم	addition	734
آپارتمان، منزل	اسم	apartment	735
ذره، تکه، بیت	اسم	bit	736
انتخاب، پسند	اسم	choice	737
آموزش، آموزش و پرورش	اسم	education	738
سیاست، علم سیاست	اسم	politics	739
ابزار	اسم	tool	740
دست یافتن، نائل شدن به، رسیدن، انجام دادن	فعل	achieve	741
نشانی، آدرس، نطق	اسم	address	742
سخن گفتن، نشانی دادن، درست کردن	فعل	address	742
میانگین، متوسط، میانی، معمولی	صفت	average	743
میانگین، متوسط	اسم	average	743
باور کردن، اعتقاد داشتن، ایمان آوردن	فعل	believe	744
شغل، حرفه	اسم	career	745
تصمیم	اسم	decision	746
هدایت کردن، دستور دادن	فعل	direct	747
مستقیم	صفت	direct	747



عالی	صفت	excellent	748
هوشمند، باهوش	صفت	intelligent	749
صبح، بامداد	اسم	morning	750
برگزیدن، چیدن، کندن	فعل	pick	751
انتخاب	اسم	pick	751
فقیر، نامرغوب، محتاج	صفت	poor	752
قشنگ، شکیل	صفت	pretty	753
بسیار، خیلی، کاملاً	قید	pretty	753
ویژگی، دارایی، خاصیت، استعداد	اسم	property	754
گرفتن، پذیرفتن، دریافت کردن	فعل	receive	755
خریداری	اسم	shopping	756
نشانه، علامت، امضاء	اسم	sign	757
امضاء کردن، پاراف کردن	فعل	sign	757
دانشجو، دانش آموز، شاگرد	اسم	student	758
میز، جدول	اسم	table	759
وظیفه، کار، تکلیف	اسم	task	760
به نظر آمدن، وانمود کردن	فعل	seem	761
توجه، دقت	اسم	attention	762
فرهنگ، تمدن	اسم	culture	763
رویداد، واقعه، حادثه	اسم	event	764
اضافه، بیشتر	قید	extra	765
اضافی، زائد	صفت	extra	765
جذاب	صفت	interesting	766
تازه‌کار، تازه‌تر، پایین‌تر	صفت	junior	767
قابلمه، دیگ، گلدان	اسم	pot	768
منحصر به فرد	صفت	unique	769
چوب، هیزم	اسم	wood	770
خارج از، آن‌سوی، مافوق	حرف‌افزافه	beyond	771
وضعیت، شرط	اسم	condition	772
تماس، برخورد، اتصال	اسم	contact	773
تماس گرفتن	فعل	contact	773
اعتبار، نسیه، خوش‌نامی	اسم	credit	774
معتمد شدن، پول دادن	فعل	credit	774
در حال حاضر	قید	currently	775
گفتگو کردن	فعل	discuss	776
تخم‌مرغ، تخم	اسم	egg	777



سرگرمی، پذیرایی، مهمانی	اسم	entertainment	778
امتحان نهایی، فینال	اسم	final	779
نهایی، پایانی، آخرین	صفت	final	779
خوشحال، شاد، راضی، خرسند	صفت	happy	780
امید	اسم	hope	781
امیدوار بودن، انتظار داشتن، آرزو داشتن	فعل	hope	781
یخ	اسم	ice	782
بلند کردن، برداشتن، بالا بردن	فعل	lift	783
مخلوط کردن، درهم کردن، آمیختن	فعل	mix	784
مخلوط	اسم	mix	784
شبکه	اسم	network	785
شمالی	صفت	north	786
شمال	قید	north	786
دفتر، اداره	اسم	office	787
کلی، سراسری	صفت	overall	788
به‌طور کلی، سرتاسر، روی‌هم‌رفته، در مجموع	قید	overall	788
مسئولیت، آبرومند	صفت	responsible	789
جدا، مجزا، جداگانه	صفت	separate	790
جدا کردن، تفکیک کردن، سوا کردن	فعل	separate	790
مربع، چهار گوش، میدان	اسم	square	791
مربعی	صفت	square	791
متوقف کردن، مانع شدن، توقف کردن	فعل	stop	792
توقف، ایست	اسم	stop	792
تعلیم دادن، درس دادن	فعل	teach	793
هر چیزی، هر چیز	ضمیر	anything	794
هر چیز	قید	anything	794
کلاسیک، باستانی	صفت	classic	795
کلاسیک، قدیمی، باستانی	اسم	classic	795
رقابت، مسابقه	اسم	competition	796
توزیع	اسم	distribution	797
جمعیت، مردم	اسم	population	798
رئیس‌جمهور	اسم	president	799
خصوصی، شخصی، محرمانه	صفت	private	800
فهمیدن، پی بردن، درک کردن، تحقق یافتن	فعل	realize	801
واحد، یگان	اسم	unit	802
غربی	صفت	western	803





تنها	صفت	alone	804
دسته‌بندی، دسته، رده، طبقه	اسم	category	805
نگرانی	اسم	concern	806
دلواپس کردن	فعل	concern	806
دارا بودن، شامل بودن	فعل	contain	807
جذاب، زیبا	صفت	cute	808
تاریخ، زمان، موعد مقرر	اسم	date	809
تاریخ معین کردن، مدت معین کردن	فعل	date	809
اثر، نتیجه	اسم	effect	810
اجرا کردن، عملی کردن	فعل	effect	810
مگس، پرواز	اسم	fly	811
پرواز کردن، پریدن	فعل	fly	811
دنبال کردن، پیروی کردن، تعقیب کردن، فهمیدن	فعل	follow	812
مفید	صفت	helpful	813
پیوند، ارتباط	اسم	link	814
پیوند دادن، به هم پیوستن، متصل کردن	فعل	link	814
کامل، ایده آل، تمام‌عیار، عالی	صفت	perfect	815
عالی ساختن، تکمیل کردن	فعل	perfect	815
اجرا، کارایی	اسم	performance	816
پست، مقام، مسند	اسم	post	817
آگهی و اعلان کردن، پست کردن	فعل	post	817
اخیر	صفت	recent	818
مراجعه کردن، رجوع کردن به، ارجاع دادن، منسوب کردن	فعل	refer	819
حل کردن، رفع کردن	فعل	solve	820
ستاره	اسم	star	821
درخشیدن	فعل	star	821
صدا، صوت، بانگ، اوا	اسم	voice	822
سخن گفتن، ادا کردن، با صدا بیان کردن	فعل	voice	822
قصد، کوشش	اسم	attempt	823
کوشش کردن، تقلا کردن	فعل	attempt	823
سیگار	اسم	cigarette	824
متن، زمینه	اسم	context	825
فوق‌العاده، بسیار، خیلی	قید	extremely	826
آشنا	صفت	familiar	827
سرانجام، بالاخره	قید	finally	828
معرفی، مقدمه، ابداع	اسم	introduction	829



رسمی	صفت	official	830
مقام رسمی	اسم	official	830
فرصت	اسم	opportunity	831
حاضر، خواهان، مشتاق	صفت	willing	832
به وجود آمدن، متولد شدن	فعل	born	833
موهبت	صفت	born	833
وسیع، پهن، عریض، پهناور	صفت	broad	834
پایتخت، سرمایه	اسم	capital	835
راحت	صفت	comfortable	836
توصیف کردن، شرح دادن	فعل	describe	837
راننده	اسم	driver	838
آپارتمان	اسم	flat	839
تخت، مسطح، صاف، هموار، ثابت	صفت	flat	839
به طور کامل	قید	flat	839
پرواز، یک دسته پله	اسم	flight	840
دوست	اسم	friend	841
افزایش، سود	اسم	gain	842
رسیدن، سود بردن، به دست آوردن، کسب کردن	فعل	gain	842
طول، مدت	اسم	length	843
نجیب، مؤدب، خوب دلپذیر	صفت	nice	844
ترجیح دادن، برتری دادن	فعل	prefer	845
مانع شدن، منع کردن، جلوگیری کردن	فعل	prevent	846
ثروتمند، غنی	صفت	rich	847
نجات دادن، پس انداز کردن، اندوختن	فعل	save	848
ذخیره، صرفه جویی	اسم	save	848
نفس، شخصیت	اسم	self	849
زود، به زودی	قید	soon	850
ایستادن، تحمل کردن، ماندن	فعل	stand	851
موضع، دکه	اسم	stand	851
گرم، صمیمی	صفت	warm	852
گرم شدن، گرم کردن	فعل	warm	852
با وجود، با اینکه	حرف اضافه	despite	853
او را، به او (مذکر)	ضمیر	him	854
روشن، درخشان، زرنج	صفت	bright	855
چالش، گردنکشی	اسم	challenge	856
طلب حق، گردنکشی، دعوت بچنگ	فعل	challenge	856



دائما	قید	constantly	857
مجله	اسم	magazine	858
روزنامه	اسم	newspaper	859
به درستی	قید	properly	860
رابطه، ارتباط، نسبت، وابستگی، خویشاوندی	اسم	relationship	861
تیراندازی، گلوله، تزریق	اسم	shot	862
به طور مشخص	قید	specifically	863
تعلیم	اسم	teaching	864
فوق العاده، شگفت‌انگیز، عجیب	صفت	wonderful	865
جوان	صفت	young	866
شاید، احتمالاً	قید	maybe	867
پیش، جلو	قید	ahead	868
سلول، اتاق	اسم	cell	869
زن و شوهر، زوج، جفت، دوتا، نر و ماده	اسم	couple	870
دلال، فروشنده	اسم	dealer	871
مناظره، مذاکره	اسم	debate	872
مناظره کردن، مباحثه کردن	فعل	debate	872
مطمئن ساختن، تضمین کردن، حتمی کردن	فعل	ensure	873
خروج، برون رفت، خروجی	اسم	exit	874
خارج شدن	فعل	exit	874
انتظار داشتن، منتظر بودن	فعل	expect	875
شکست خوردن، رد شدن، موفق نشدن	فعل	fail	876
یافته، کشف، اکتشاف	اسم	finding	877
جلو، جبهه، نما، کرانه	اسم	front	878
جلودار، جلویی	صفت	front	878
سنگین، ضخیم	صفت	heavy	879
بسیار، خیلی	قید	highly	880
نداشتن، فاقد بودن، ناقص بودن، کم داشتن	فعل	lack	881
عدم، نبودن، فقدان	اسم	lack	881
دریاچه، برکه، استخر	اسم	lake	882
شنیدن، گوش دادن، توجه کردن	فعل	listen	883
معیشت، زندگی، امرار معاش	اسم	living	884
زنده، جاندار	صفت	living	884
عضو، جزء، بخش	اسم	member	885
پیام	اسم	message	886
تلفن، صدا، صوت، اوا	اسم	phone	887



پلاستیک	اسم	plastic	888
خمیری، پلاستیکی	صفت	plastic	888
جدی، وخیم، مهم	صفت	serious	889
به آرامی، به آهستگی	قید	slowly	890
صحبت کردن، سخن گفتن	فعل	speak	891
تابستان	اسم	summer	892
طعم، مزه، سلیقه، ذوق	اسم	taste	893
چشیدن، مزه کردن	فعل	taste	893
ردپا، مسیر، راه	اسم	track	894
دنبال کردن، پیگیری کردن، ردپا را گرفتن	فعل	track	894
بال، شعبه	اسم	wing	895
نگران بودن، نگران شدن	فعل	worry	896
نگرانی، اضطراب، دلواپسی	اسم	worry	896
به سوی، سمت	حرف اضافه	towards	897
هر چه، هر آنچه، آنچه	ضمیر	whatever	898
سلام! الو!	حرف ندا	hello	899
قلم مو	اسم	brush	900
مسواک زدن، قلم مو زدن	فعل	brush	900
روزانه	صفت	daily	901
روزانه	قید	daily	901
یافتن، کشف کردن، پیدا کردن، پی بردن	فعل	discover	902
باتجربه، ورزیده	صفت	experienced	903
کارکرد، عمل، تابع، وظیفه	اسم	function	904
کار کردن، عمل کردن، وظیفه داشتن	فعل	function	904
بلافاصله، مستقیماً	قید	immediately	905
غیرممکن، نشدنی	صفت	impossible	906
سرمایه گذاری کردن	فعل	invest	907
رهبری کردن، هدایت کردن، بر آن داشتن	فعل	lead	908
رهبر، هدایت، تقدم، مدرک	اسم	lead	908
کاشتن، نهال زدن، در زمین قرار دادن، مستقر کردن	فعل	plant	909
گیاه، کارخانه	اسم	plant	909
کاستن، کم کردن	فعل	reduce	910
به طور نسبی	قید	relatively	911
صحنه، پرده سینما	اسم	scene	912
نقطه، محل، مکان، خال	اسم	spot	913
کشف کردن، بجا آوردن	فعل	spot	913





موضوع، زمینه	اسم	theme	914
ارزشمند، گران بها، نفیس، قیمتی	صفت	valuable	915
ظاهر شدن، پدیدار شدن	فعل	appear	916
مغز، مخ، هوش، ذکاوت، خرد	اسم	brain	917
دکمه	اسم	button	918
دکمه زدن	فعل	button	918
کلیک، تیک، تلنگر، صدای کوتاه	اسم	click	919
صدا کردن	فعل	click	919
تصحیح کردن، اصلاح کردن	فعل	correct	920
درست، صحیح	صفت	correct	920
میل، خواست، خواهش، آرزو	اسم	desire	921
خواستن، تمایل داشتن، میل داشتن، آرزو کردن	فعل	desire	921
توضیح دادن، شرح دادن، فهماندن	فعل	explain	922
کاوش کردن، اکتشاف کردن	فعل	explore	923
بیان کردن، اظهار کردن	فعل	express	924
سریع، سریع‌السير	صفت	express	924
ثابت، قطعی	صفت	fixed	925
پا (عضو بدن)، فوت (واحد اندازه‌گیری)	اسم	foot	926
پرداختن مخارج	فعل	foot	926
مسکن، خانه	اسم	housing	927
بزرگ، کلان، عظیم، حجیم، گنده	صفت	huge	928
برجسته، پیشتاز، مقدم	صفت	leading	929
گم کردن، از دست دادن، باختن، شکست خوردن	فعل	lose	930
ملاقات کردن، پیوستن	فعل	meet	931
ملاقات، جلسه، نشست	اسم	meet	931
مزاج، حالت	اسم	mood	932
اطلاع، توجه، اخطار، اعلان	اسم	notice	933
دیدن	فعل	notice	933
باریدن	فعل	rain	934
باران، بارش، بارندگی	اسم	rain	934
نادر، کمیاب، نیم پخته	صفت	rare	935
فروختن، بفروش رفتن	فعل	sell	936
آرام، کند، آهسته، تدریجی	قید	slow	937
آهسته کردن، آهسته شدن	فعل	slow	937
زن، بانو	اسم	woman	938
بر، بر روی، روی، بر فراز	حرف اضافه	upon	939





ظاهر، پیدایش، ظهور	اسم	appearance	940
اتحادیه، انجمن، تجمع	اسم	association	941
مفهوم، تصور کلی	اسم	concept	942
مشتری	اسم	customer	943
مرگ، فوت	اسم	death	944
گفتگو، بحث	اسم	discussion	945
منصفانه	قید	fairly	946
گاز، بنزین، بخار	اسم	gas	947
رسیدگی، دسته	اسم	handle	948
دست زدن به، بکار بردن	فعل	handle	948
تورم	اسم	inflation	949
نفوذ، توانایی، اعتبار	اسم	influence	950
تأثیر گذاشتن	فعل	influence	950
بیمه	اسم	insurance	951
واردکردن، گرفتار شدن	فعل	involve	952
به‌طور عمده، مهم‌تر از همه	صفت	primarily	953
آزاد کردن، رها کردن، منتشر ساختن	فعل	release	954
رهایی، آزادی، ترخیص، پخش	اسم	release	954
فنی	صفت	technical	955
معمول	صفت	typical	956
دیوار، جدار	اسم	wall	957
مشاوره، نصیحت	اسم	advice	958
موافق بودن، سازش کردن، هم رأی بودن	فعل	agree	959
پایه، پایگاه، بنیاد، اساس	اسم	base	960
بنیان نهادن، مبنا قرار دادن، پایه زدن	فعل	base	960
خون، نژاد	اسم	blood	961
تمیز، پاک، پاکیزه	صفت	clean	962
تمیز کردن، پاک کردن	فعل	clean	962
فاصله، مسافت	اسم	distance	963
تلاش، کوشش، سعی، تقلا	اسم	effort	964
الکترونیکی	صفت	electronic	965
سیما، قیافه، بیان	اسم	expression	966
احساس، حس	اسم	feeling	967
پایان، خاتمه	اسم	finish	968
تمام کردن، خاتمه دادن	فعل	finish	968
شنیدن، گوش دادن به، درک کردن	فعل	hear	969



طبیعی، عادی، معمولی	صفت	normal	970
روال عادی، وضعیت طبیعی	اسم	normal	970
نظر، عقیده، اعتقاد، نظریه، گمان، فکر	اسم	opinion	971
در غیر این صورت، وگرنه، والا	قید	otherwise	972
جفت، زوج، زن و شوهر، نر و ماده	اسم	pair	973
جفت شدن، جفت کردن	فعل	pair	973
پرداخت	اسم	payment	974
ماندن، باقی ماندن، اقامت کردن	فعل	remain	975
نشان دادن، نمایاندن	فعل	represent	976
سوارشدن، سواری کردن	فعل	ride	977
سواری	اسم	ride	977
راز و رمز	اسم	secret	978
مخفی، محرمانه، پنهانی، رمزی	صفت	secret	978
مهارت	اسم	skill	979
بهار، فنر	اسم	spring	980
پربیدن، جهیدن	فعل	spring	980
با کارمند مجهز کردن	فعل	staff	981
کارکنان، هیئت، ستاد، کارمندان، پرسنل، کادر	اسم	staff	981
قند، شکر	اسم	sugar	982
متن، نوشته	اسم	text	983
نوشتن با موبایل	فعل	text	983
منتظرشدن، صبر کردن	فعل	wait	984
انتظار	اسم	wait	984
ثروت، مال، دارایی، سرمایه، توانگری، غنا	اسم	wealth	985
بعلاوه، به اضافه	حرف اضافه	plus	986
مثبت	صفت	plus	986
بعلاوه، امتیاز، مزیت	اسم	plus	986
هرگاه، هر زمان که	حرف ربط	whenever	987
هرزمانی	قید	whenever	987
چه کسی	صفت	whose	988
دادن، حاصل کردن، تهیه کردن	فعل	afford	989
به طور کامل، سرتاسر	قید	completely	990
بحرانی	صفت	critical	991
خسارت، زیان، خرابی، ضرر، آسیب	اسم	damage	992
خسارت زدن، زیان زدن، لطمه زدن	فعل	damage	992
تازه	صفت	fresh	993



مطبوعات، ماشین چاپ، فشار	اسم	press	994
فشار دادن، پرس کردن	فعل	press	994
پس انداز	اسم	savings	995
گسترش یافتن، منتشر شدن، گستردن	فعل	spread	996
دشوار، سخت، محکم	صفت	tough	997
به طور گسترده	قید	widely	998
رقابتی	صفت	competitive	999
فوری، بلادرنگ، ضروری	صفت	immediate	1000
اهمیت، قدر، اعتبار	اسم	importance	1001
واقعیت، حقیقت	اسم	reality	1002
مسئولیت، عهده	اسم	responsibility	1003
وضعیت، موقعیت، وضع، موقع	اسم	situation	1004
بیانیه، اعلامیه	اسم	statement	1005
هدف، آماج	اسم	target	1006
هدف گیری کردن	فعل	target	1006
در نهایت، سرانجام، بالاخره	قید	ultimately	1007
حیوان، جانوری، جانور	اسم	animal	1008
کاربرد، درخواست، برنامه کامپیوتری	اسم	application	1009
بکار بردن، اعمال کردن	فعل	apply	1010
نویسنده، مؤلف	اسم	author	1011
نویسندگی کردن، تألیف کردن	فعل	author	1011
مطعم، باخبر، آگاه	صفت	aware	1012
قهوه ای کردن، برشته کردن	فعل	brown	1013
قهوه ای، خرمایی	صفت	brown	1013
ارزان، کم ارزش	صفت	cheap	1014
شهرستان، شهر	اسم	city	1015
عمیق	صفت	deep	1016
تخفیف، نزول	اسم	discount	1017
نمایش، جلوه	اسم	display	1018
آموزشی	صفت	educational	1019
پرونده، فایل (دیجیتالی)، داده های دیجیتالی	اسم	file	1020
بایگانی کردن، ضبط کردن، در صف راه رفتن	فعل	file	1020
جریان، گردش، روند	اسم	flow	1021
جاری بودن، روان شدن	فعل	flow	1021
فراموش کردن	فعل	forget	1022
جهانی، سراسری	صفت	global	1023



مادربزرگ	اسم	grandmother	1024
زمین، خاک، زمینه، پایه، میدان، اساس، سبب، ملاک	اسم	ground	1025
به گل نشانیدن، در خانه نگه داشتن (نوجوانان)	فعل	ground	1025
به صورت پودر، به صورت ماسه‌ای، آسیاب شده، له شده	صفت	ground	1025
قلب، دل، دل‌وجرات، مرکز، رشادت، مرکز	اسم	heart	1026
اصابت، ضربه، تصادف، محبوبیت	اسم	hit	1027
زدن (سیلی)، خوردن به، اصابت کردن	فعل	hit	1027
دقیقه، لحظه	اسم	minute	1028
جزئی، ریز، خرد	صفت	minute	1028
در نزدیکی	قید	near	1029
نزدیک	صفت	near	1029
نزدیک شدن	فعل	near	1029
هدف، منظور، مقصود	اسم	objective	1030
عینی، واقع‌گرایانه	صفت	objective	1030
افسر، مأمور	اسم	officer	1031
عکس	اسم	photo	1032
به تازگی، اخیراً	قید	recently	1033
دستورالعمل	اسم	recipe	1034
توصیه کردن، سفارش کردن، معرفی کردن	فعل	recommend	1035
مربوط	صفت	relevant	1036
اعتماد کردن	فعل	rely	1037
امن، مطمئن	صفت	secure	1038
حفظ کردن، تأمین کردن، ضامن‌دار کردن	فعل	secure	1038
شلیک کردن، گلوله زدن، رها شدن	فعل	shoot	1039
انشعاب، حرکت تند و چابک	اسم	shoot	1039
آسمان، فلک	اسم	sky	1040
مرحله، صحنه، صحنه نمایش	اسم	stage	1041
در صحنه ظاهر شدن	فعل	stage	1041
چوب، چماق، عصا	اسم	stick	1042
چسبیدن، چسباندن، به هم پیوستن، الصاق کردن	فعل	stick	1042
لاغر، نازک، باریک	صفت	thin	1043
عنوان، نام، لقب، اسم	اسم	title	1044
موضوع، مبحث، سرفصل	اسم	topic	1045
لمس کردن، دست زدن به	فعل	touch	1046
حس لامسه	اسم	touch	1046
تغییر دادن، عوض کردن	فعل	vary	1047





بودجه	اسم	budget	1048
بودجه بندی کردن	فعل	budget	1048
پیچیده	صفت	complicated	1049
عمق، ژرفا، قعر، گودی	اسم	depth	1050
محیطی	صفت	environmental	1051
بنیاد، پی، پایه، اساس	اسم	foundation	1052
قانونی، حقوقی، شرعی	صفت	legal	1053
درس، عبرت	اسم	lesson	1054
چشم انداز، منظر، دید، لحاظ، جنبه فکری	اسم	perspective	1055
فاز، مرحله	اسم	phase	1056
مرجع، ارجاع، مراجعه، رجوع	اسم	reference	1057
ثبت نام، ثبات، پول شمار	اسم	register	1058
ثبت نام کردن، ثبت کردن	فعل	register	1058
به طور جدی	قید	seriously	1059
استودیو، کارگاه، هنرکده	اسم	studio	1060
مشکل، زحمت، سختی	اسم	trouble	1061
مزاحم شدن	فعل	trouble	1061
شهرستان، بخش	اسم	county	1062
املاک، ملک، اموال، دارایی	اسم	estate	1063
پیشرفته، متری	صفت	advanced	1064
کاسه، جام، پیاله	اسم	bowl	1065
پل	اسم	bridge	1066
لغو کردن، باطل کردن	فعل	cancel	1067
توانا، قابل، لایق، ماهر	صفت	capable	1068
شخصیت، سرشت، سیرت	اسم	character	1069
باشگاه، انجمن، کانون	اسم	club	1070
مجموعه، کلکسیون، اجتماع	اسم	collection	1071
خنک کردن، سرد کردن	فعل	cool	1072
سرد، خنک، خونسرد	صفت	cool	1072
گریه، فریاد، بانگ، ناله، زاری	اسم	cry	1073
گریه کردن، فریاد زدن، بانگ زدن	فعل	cry	1073
خطرناک	صفت	dangerous	1074
افسردگی، رکود، کسادی	اسم	depression	1075
زباله، زباله دونی	اسم	dump	1076
دور ریختن، ترک کردن، رها کردن	فعل	dump	1076
حاشیه، لبه، کناره، مرز	اسم	edge	1077





تحریک کردن	فعل	edge	1077
شواهد و مدارک، گواه، گواهی، شهادت	اسم	evidence	1078
پنکه، پروانه، بادبزن، تماشچی ورزش دوست	اسم	fan	1079
باد زدن	فعل	fan	1079
غالباً، بارها، مکرراً	قید	frequently	1080
به‌طور کامل، کاملاً، تماماً	قید	fully	1081
نامه، حرف، نویسه، ادبیات، عریضه	اسم	letter	1082
قفل	اسم	lock	1083
قفل کردن، بستن	فعل	lock	1083
گرفتن، فراهم کردن، به‌دست آوردن	فعل	obtain	1084
گاه‌گاه، گاهی	قید	occasionally	1085
گزینه، انتخاب	اسم	option	1086
سازمان‌یافته	صفت	organized	1087
کوله‌پشتی، بسته، دسته	اسم	pack	1088
بسته‌بندی کردن، بسته کردن	فعل	pack	1088
پارک، گردشگاه، باغ ملی	اسم	park	1089
پارک کردن	فعل	park	1089
هل دادن، فشار دادن، مجبور کردن	فعل	push	1090
فشار، هل، زور	اسم	push	1090
ربع، یک چهارم، چارک، مدت سه ماه	اسم	quarter	1091
انتخاب کردن، برگزیدن	فعل	select	1092
برگزیده	صفت	select	1092
محیط، تنظیمات	اسم	setting	1093
جور کردن، طبقه‌بندی کردن	فعل	sort	1094
نوع، گونه، جور	اسم	sort	1094
خودم، من خودم، شخص خودم	ضمیر	myself	1095
فراوانی، کفایت	اسم	plenty	1096
بسیار، فراوان، خیلی زیاد	قید	plenty	1096
دقیق	صفت	accurate	1097
کمپین	اسم	campaign	1098
کمپین زدن	فعل	campaign	1098
شیمیایی، کیمیایی، شیمی	اسم	chemical	1099
منتهی، بیشینه	اسم	extreme	1100
مفرط، افراطی، شدید، فوق‌العاده	صفت	extreme	1100
تولید کردن	فعل	generate	1101
خیال‌پردازی، تخیل، تصور، خیال، ابتکار	اسم	imagination	1102



بیشینه، حداکثر، ماکسیم	اسم	maximum	1103
حداکثر، بیشترین	صفت	maximum	1103
اغلب، غالباً	قید	mostly	1104
به طور طبیعی	قید	naturally	1105
تقریباً، تا حدی	قید	nearly	1106
رمان	اسم	novel	1107
جدید، نو، اصل	صفت	novel	1107
شور و شوق	اسم	passion	1108
درصد، مقدار	اسم	percentage	1109
منابع، کاردانی، ابتکار	اسم	resource	1110
پوست، چرم، جلد	اسم	skin	1111
پوست کندن	فعل	skin	1111
وزن، چیزی سنگین	اسم	weight	1112
پذیرفتن، قبول کردن	فعل	accept	1113
آگهی، تبلیغات	اسم	ad	1114
نوزاد، کودک، بچه، طفل	اسم	baby	1115
سابقه، زمینه	اسم	background	1116
به دقت	قید	carefully	1117
حمل کردن، بردن	فعل	carry	1118
به وضوح	قید	clearly	1119
دانشکده، کالج، دانشگاه	اسم	college	1120
گفتگو کردن، معاشرت کردن	فعل	communicate	1121
شکایت کردن، نالیدن	فعل	complain	1122
بدهی، قرض، وام	اسم	debt	1123
وابسته بودن	فعل	depend	1124
شرح، توصیف، تعریف	اسم	description	1125
ظرف، بشقاب، غذا	اسم	dish	1126
خوردن، مصرف کردن	فعل	eat	1127
کارآمد، مؤثر	صفت	efficient	1128
وارد شدن، داخل شدن، قدم نهادن در	فعل	enter	1129
دقیق، صحیح، درست	صفت	exact	1130
به زور گرفتن، تحمیل کردن	فعل	exact	1130
عامل، فاکتور	اسم	factor	1131
پر کردن، سیر کردن، بار کردن	فعل	fill	1132
جریمه، خوب	اسم	fine	1133
جریمه کردن	فعل	fine	1133



خیلی خوب، عالی، ظریف، نازک	صفت	fine	1133
خوب	قید	fine	1133
رسمی، صوری، قراردادی	صفت	formal	1134
فرستادن، ارسال کردن	فعل	forward	1135
جسور، گستاخ	صفت	forward	1135
به جلو، به پیش، به سوی	قید	forward	1135
میوه، ثمر، سود، فایده	اسم	fruit	1136
نشان دادن، اشاره کردن	فعل	indicate	1137
مفصل	اسم	joint	1138
مشترک	صفت	joint	1138
پریدن، خیز زدن، جهش ناگهانی کردن	فعل	jump	1139
پرش، جهش، خیز	اسم	jump	1139
حافظه، خاطره، یاد	اسم	memory	1140
عضله، ماهیچه	اسم	muscle	1141
مخالف، مقابل، ضد	صفت	opposite	1142
مخالف، مقابل، معکوس، ضد	اسم	opposite	1142
گذشتن، قبول شدن، تصویب شدن، وفات کردن، رخ دادن، عبور کردن	فعل	pass	1143
عبور، گذر، بلیط، جواز	اسم	pass	1143
صبر، شکیبایی، بردباری، طاقت	اسم	patience	1144
شاید، احتمالاً	قید	possibly	1145
قوی، نیرومند، مقتدر، بانفوذ	صفت	powerful	1146
سرخ، قرمز	صفت	red	1147
از راه دور	صفت	remote	1148
منشی، دبیر (تغییردهنده دپارتمان دولتی)، وزیر	اسم	secretary	1149
کمی، اندکی	قید	slightly	1150
راه حل، محلول، حل	اسم	solution	1151
قدری، تا حدی	قید	somewhat	1152
استحکام، دوام، قوت، توانایی، نیرو، زور	اسم	strength	1153
کامل	صفت	total	1154
مجموع، جمع، جمع کل	اسم	total	1154
ترافیک، عبور و مرور، رفت و آمد، ترابری	اسم	traffic	1155
رفتار کردن، درمان کردن	فعل	treat	1156
هدیه	اسم	treat	1156
سفر، گردش، سیاحت	اسم	trip	1157
پشت پا خوردن، پشت پا زدن، سفر کردن	فعل	trip	1157
سبزیجات، سبزی	اسم	vegetable	1158



آژانس، نمایندگی، مأموریت	اسم	agency	1159
درگیری، تضاد، مناقشه، مغایرت، نبرد، برخورد	اسم	conflict	1160
ناسازگار بودن	فعل	conflict	1160
ارتباط، رابطه، پیوند، وابستگی	اسم	connection	1161
انتقاد، عیبجویی	اسم	criticism	1162
مردن، ازکارافتادن	فعل	die	1163
دراماتیک، احساسی	اسم	dramatic	1164
اساساً، اصلی	قید	essentially	1165
نمایشگاه	اسم	fair	1166
منصفانه، بی‌طرفانه	صفت	fair	1166
شیشه، لیوان	اسم	glass	1167
رخ دادن، اتفاق افتادن	فعل	happen	1168
پا زدن، لگدزدن	فعل	kick	1169
لگد، تندی، ضربه	اسم	kick	1169
استاد، ارباب، سرور، صاحب	اسم	master	1170
چیره‌دست، برجسته	صفت	master	1170
استاد شدن، ماهرشدن	فعل	master	1170
پرتاب کردن، نصب کردن، استوار کردن	فعل	pitch	1171
گام، اوج	اسم	pitch	1171
پیشنهاد کردن، اشاره کردن به، تلقین کردن	فعل	suggest	1172
زنده ماندن	فعل	survive	1173
عظیم، وسیع	صفت	vast	1174
درخواست، جذب، التماس	اسم	appeal	1175
درخواست کردن (برای تجدیدنظر)، جذب کردن	فعل	appeal	1175
درک کردن، تقدیر کردن، بر بهای چیزی افزودن	فعل	appreciate	1176
طرز برخورد، نگرش، گرایش	اسم	attitude	1177
ضرب، ضربان، تپش	اسم	beat	1178
زدن، کتک زدن، ضرب زدن، تپیدن	فعل	beat	1178
سوختگی	اسم	burn	1179
سوزاندن، سوختن، آتش زدن	فعل	burn	1179
جدول، ترسیم آماری	اسم	chart	1180
کشیدن نقشه، رسم نمودار	فعل	chart	1180
مقایسه کردن، باهم سنجیدن	فعل	compare	1181
به همان اندازه	قید	equally	1182
خارجی، بیگانه، غریبه	صفت	foreign	1183
دنده، لوازم، ادوات، پوشش	اسم	gear	1184





آماده کار کردن، مجهز کردن	فعل	gear	1184
تا حد زیادی	قید	greatly	1185
گرسنه	صفت	hungry	1186
ایده آل، کمال	اسم	ideal	1187
ایده آل، مطلوب، آرمانی	صفت	ideal	1187
تصور کردن	فعل	imagine	1188
پیاپیاده شدن، به خشکی آمدن، فرود آمدن	فعل	land	1189
زمین، سرزمین	اسم	land	1189
کنده درخت، کارنامه، گزارش	اسم	log	1190
مادر	اسم	mother	1191
اینترنت، شبکه، تور	اسم	net	1192
خالص	صفت	net	1192
مهمانی، جشن، حزب، فرقه	اسم	party	1193
عملی، کاربردی	صفت	practical	1194
چاپ	اسم	print	1195
چاپ کردن	فعل	print	1195
روانشناسی	اسم	psychology	1196
بلند کردن، بالا بردن، پروراندن، بار آوردن، زیاد کردن	فعل	raise	1197
ترقیع، اضافه حقوق	اسم	raise	1197
بندرت	قید	rarely	1198
نسبی، مربوط، وابسته، فامیلی	صفت	relative	1199
خویشاوند، فامیل	اسم	relative	1199
پاسخ، واکنش	اسم	response	1200
فروش، حراج	اسم	sale	1201
دوران، فصل	اسم	season	1202
انتخاب، گزینش، پسند	اسم	selection	1203
شدید، سخت، دردناک	صفت	severe	1204
سیگنال، علامت، نشان، اخطار	اسم	signal	1205
علامت دادن	فعل	signal	1205
خوابیدن	فعل	sleep	1206
خواب	اسم	sleep	1206
صاف، هموار، نرم، روان، ملایم	صفت	smooth	1207
صاف کردن، هموار کردن	فعل	smooth	1207
جایی، مکانی	قید	somewhere	1208
درخت	اسم	tree	1209
تفسیر، نسخه	اسم	version	1210





موج	اسم	wave	1211
دست تکان دادن، تشکیل موج دادن	فعل	wave	1211
سوءاستفاده، توهین، تهمت	اسم	abuse	1212
بدرفتاری کردن، پرخاش کردن، بد بکار بردن	فعل	abuse	1212
دولت، اداره، مدیریت	اسم	administration	1213
جنبه	اسم	aspect	1214
سپرده، بیعانه، گرو	اسم	deposit	1215
سپردن، به حساب بانک گذاشتن	فعل	deposit	1215
مدیر، رئیس، کارگردان، متصدی، اداره کننده	اسم	director	1216
آشپزخانه	اسم	kitchen	1217
گم شده، مفقود	صفت	lost	1218
اداره کردن، گرداندن، سرپرستی کردن	فعل	manage	1219
لزوماً	قید	necessarily	1220
شخصیت، هویت	اسم	personality	1221
شخصاً	قید	personally	1222
اصل، قاعده، حقیقت	اسم	principle	1223
روانشناسی	صفت	psychological	1224
توصیه، پیشنهاد	اسم	recommendation	1225
به طور منظم	قید	regularly	1226
به طور مشابه	قید	similarly	1227
روح و روان، روحیه، جان	اسم	spirit	1228
ذخیره سازی، انبار	اسم	storage	1229
خیابان	اسم	street	1230
مناسب، شایسته، سازگار	صفت	suitable	1231
استدلال، برهان	اسم	argument	1232
اساساً	قید	basically	1233
کمر بند، تسمه	اسم	belt	1234
نیمکت	اسم	bench	1235
بسته، مسدود، محصور	صفت	closed	1236
به طور نزدیکی	قید	closely	1237
وصل کردن، متصل کردن، پیوستن	فعل	connect	1238
مرکب بودن از، شامل بودن، عبارت بودن از	فعل	consist	1239
قرارداد	اسم	contract	1240
کپی، رونوشت، نسخه	اسم	copy	1241
کپی کردن، رونویسی کردن	فعل	copy	1241
تاریک	اسم	dark	1242



تاریک	صفت	dark	1242
فرق داشتن، متفاوت بودن، اختلاف نظر داشتن	فعل	differ	1243
دوسر، جفت، المثنی	اسم	double	1244
دو برابر کردن	فعل	double	1244
برابر، دوتایی، دو برابر، مضاعف	صفت	double	1244
قرعه کشی	اسم	draw	1245
رسم کردن، طراحی کردن، بیرون کشیدن	فعل	draw	1245
افت، سقوط، قطره، چکه	اسم	drop	1246
رها کردن، انداختن، سقوط کردن، چکیدن	فعل	drop	1246
برابر، مساوی	صفت	equal	1247
هم مرتبه، هم تراز	اسم	equal	1247
هم تراز کردن، مساوی بودن	فعل	equal	1247
شرکت، تجارتخانه، موسسه بازرگانی	اسم	firm	1248
سفت، محکم، استوار، سخت، راسخ، ثابت، پایدار	صفت	firm	1248
گیر، طمع، افیون، تنگنا	اسم	fix	1249
درست کردن، تعمیر کردن	فعل	fix	1249
بزرگراه، شاهراه، راه	اسم	highway	1250
استخدام، کرایه، اجاره	اسم	hire	1251
استخدام کردن، کرایه کردن	فعل	hire	1251
ابتدا	قید	initially	1252
متحد شدن، متصل کردن، پیوستن	فعل	join	1253
قتل	اسم	kill	1254
کشتن، به قتل رساندن، ذبح کردن	فعل	kill	1254
عیناً، معنای واقعی کلمه	قید	literally	1255
فقدان، خسارت، ضرر، زیان، باخت، مرگ	اسم	loss	1256
به طور عمده	قید	mainly	1257
عضویت	اسم	membership	1258
حداقل، کمینه	اسم	minimum	1259
حداقل، کمترین	صفت	minimum	1259
متعدد، فراوان	صفت	numerous	1260
مسیر، راه، جاده	اسم	path	1261
تهیه، تدارک	اسم	preparation	1262
پیشرفت، ترقی	اسم	progress	1263
پیشرفت کردن	فعل	progress	1263
پروژه، طرح، نقشه	اسم	project	1264
طرح ریختن، برجسته بودن	فعل	project	1264



اثبات کردن، ثابت کردن	فعل	prove	1265
واکنش نشان دادن	فعل	react	1266
شناختن، به رسمیت شناختن، تشخیص دادن	فعل	recognize	1267
آرام شدن، شل کردن، سست کردن	فعل	relax	1268
جایگزین کردن، تعویض کردن، جابجا کردن	فعل	replace	1269
دریا	اسم	sea	1270
حساس، نافذ، دردناک	صفت	sensitive	1271
نشستن	فعل	sit	1272
جنوب، جنوبی	صفت	south	1273
به سمت جنوب	قید	south	1273
وضعیت، موقعیت	اسم	status	1274
استیک (باریکه گوشت کبابی)	اسم	steak	1275
تپاندن، چپاندن، پر کردن، انباشتن	فعل	stuff	1276
شیر آب، ضربه آهسته	اسم	tap	1277
ضربات آهسته و پیوسته زدن	فعل	tap	1277
تور، سفر، گشت، سیاحت	اسم	tour	1278
سیاحت کردن، گشت کردن، جهانگردی کردن، سیر کردن	فعل	tour	1278
غیرمعمول، غیرعادی	صفت	unusual	1279
پیروز شدن	فعل	win	1280
پیروزی، برد، فتح، غلبه	اسم	win	1280
هر جا	قید	anywhere	1281
هرکسی	ضمیر	everybody	1282
پیشرفته، از قبل تهیه شده	صفت	advance	1283
پیشرفت، پیش برداخت، پیش روی، جلو بردن	اسم	advance	1283
پیش بردن، ترفیع رتبه دادن، ترقی دادن	فعل	advance	1283
مشروبات الکلی، الکل	اسم	alcohol	1284
کمیسیون، حق کمیسیون، هیئت	اسم	commission	1285
شکایت، شکوه، دادخواهی	اسم	complaint	1286
شرکت کردن در، سهم دادن، سهم داشتن	فعل	contribute	1287
به طور مؤثر	قید	effectively	1288
تأکید، اهمیت	اسم	emphasis	1289
تشویق کردن، دلگرم کردن	فعل	encourage	1290
توسعه دادن، بسط دادن	فعل	expand	1291
رفت و آمد زیاد کردن در، تکرار کردن	فعل	frequent	1292
مکرر	صفت	frequent	1292
داخلی، درونی، باطنی	صفت	internal	1293



صرفاً، فقط، تنها	قید	merely	1294
مالکیت، تصرف، تسلط	اسم	possession	1295
کافی، قانع	صفت	sufficient	1296
بلیط، آگهی، ورقه	اسم	ticket	1297
اتحادیه، اتحاد، اجتماع	اسم	union	1298
زاویه، گوشه	اسم	angle	1299
آبی، نیلی	صفت	blue	1300
قرض گرفتن، وام گرفتن	فعل	borrow	1301
صبحانه، افطار	اسم	breakfast	1302
ادعا، مدعی، مطالبه	اسم	claim	1303
ادعا کردن	فعل	claim	1303
ثابت، پایدار، دائمی	صفت	constant	1304
فرهنگی، تربیتی	صفت	cultural	1305
واحد پول	اسم	currency	1306
دختر، فرزند	اسم	daughter	1307
دکتر، پزشک، طبیب	اسم	doctor	1308
کشیدن، به زور کشیدن، سخت کشیدن	فعل	drag	1309
رؤیا، خواب، خیال	اسم	dream	1310
خواب دیدن، رؤیا دیدن	فعل	dream	1310
وظیفه، خدمت، تکلیف	اسم	duty	1311
کسب کردن، کسب معاش کردن، درآمد داشتن	فعل	earn	1312
استخدام، به کارگیری	اسم	employment	1313
قادر ساختن، توانا ساختن	فعل	enable	1314
مهندسی	اسم	engineering	1315
ورود، ورودی، مدخل	اسم	entry	1316
مشهور، معروف، برجسته	صفت	famous	1317
پدر، بابا، والد	اسم	father	1318
پدری کردن، پدر کسی بودن	فعل	father	1318
هزینه، پرداخت، دستمزد، شهریه	اسم	fee	1319
سرمایه‌گذاری، دارایی	اسم	finance	1320
تهیه کردن پول، سرمایه‌گذاری کردن	فعل	finance	1320
به آرامی، با ملایمت، به تدریج	قید	gently	1321
حدس، گمان، فرض، تخمین	اسم	guess	1322
حدس زدن، تخمین زدن، فرض کردن	فعل	guess	1322
ساعت، وقت، مدت کم	اسم	hour	1323
اثر متقابل	اسم	interaction	1324





آبمیوه، عصاره، شربت	اسم	juice	1325
حد، حدود	اسم	limit	1326
محدود کردن	فعل	limit	1326
شانس، بخت، اقبال	اسم	luck	1327
شیر، شیره گیاهی	اسم	milk	1328
دوشیدن	فعل	milk	1328
جزئی، کوچک	صفت	minor	1329
مخلوط، مختلط، درهم	صفت	mixed	1330
مخلوط، ترکیب	اسم	mixture	1331
دهان، دهانه	اسم	mouth	1332
دهنه کردن، اداواصول درآوردن	فعل	mouth	1332
صلح، سازش، آشتی	اسم	peace	1333
نی زدن، لوله کشی کردن	فعل	pipe	1334
لوله، پیپ، نی	اسم	pipe	1334
خوشحال کردن	فعل	please	1335
لطفاً، خواهش	قید	please	1335
کشیدن، به طرف خود کشیدن	فعل	pull	1336
کشش	اسم	pull	1336
خالص، پاک، محض، ناب	صفت	pure	1337
خام، نارس، کال	صفت	raw	1338
بازتاب دادن، منعکس کردن، تأمل کردن، فکر کردن	فعل	reflect	1339
صندلی، نشیمن گاه، مقر	اسم	seat	1340
نشستن، نشاندن	فعل	seat	1340
نرم، ملایم، لطیف، نازک	صفت	soft	1341
جامد، سخت، سفت، توپر، قابل اطمینان	صفت	solid	1342
پایدار، ثابت	صفت	stable	1343
اسطبل، طویله	اسم	stable	1343
تیم، گروه، دسته	اسم	team	1344
دسته درست کردن، به صورت گروه در آمدن	فعل	team	1344
سنت، رسم	اسم	tradition	1345
حقه، حيله، فن	اسم	trick	1346
حقه بازی کردن، حيله زدن	فعل	trick	1346
ویروس	اسم	virus	1347
پوشاک، سایش، ساییدگی	اسم	wear	1348
پوشیدن، پوشاندن	فعل	wear	1348
عجیب و غریب	صفت	weird	1349





توافق، قرارداد	اسم	agreement	1350
حمله، یورش	اسم	attack	1351
حمله کردن، مبادرت کردن	فعل	attack	1351
سرطان، خرچنگ	اسم	cancer	1352
اعتمادبه‌نفس، اعتماد، اطمینان	اسم	confidence	1353
سازگار، مطابق، مداوم	صفت	consistent	1354
درجه، مرتبه، رتبه، پایه، مرحله	اسم	degree	1355
نقطه، لکه، خال	اسم	dot	1356
نقطه‌دار کردن، نقطه‌گذاری کردن	فعل	dot	1356
نوشابه، آشامیدنی، مشروبات الکی	اسم	drink	1357
نوشیدن، آشامیدن	فعل	drink	1357
اهمیت دادن	فعل	emphasize	1358
مقاله، انشاء	اسم	essay	1359
موجود	صفت	existing	1360
امیدواری	قید	hopefully	1361
بکار انداختن، عمل کردن، اداره کردن، عمل جراحی کردن	فعل	operate	1362
در اصل	قید	originally	1363
ترجیح، اولویت، برتری، تقدم	اسم	preference	1364
قبلی، پیشین	صفت	previous	1365
منطقه، ناحیه	اسم	region	1366
جمهوری	اسم	republic	1367
تقریباً	قید	roughly	1368
ارسال کردن، فرستادن	فعل	send	1369
به‌طور قابل ملاحظه	قید	significantly	1370
طوفان، کولاک	اسم	storm	1371
یورش آوردن، حمله کردن	فعل	storm	1371
مواد، استحکام، دوام	اسم	substance	1372
تعجب، شگفت، حیرت	اسم	wonder	1373
تعجب کردن، متعجب شدن، حیرت زده کردن	فعل	wonder	1373
بازیگر، هنرپیشه	اسم	actor	1374
هراسان، ترسان، سراسیمه	صفت	afraid	1375
عصر	اسم	afternoon	1376
شگفت‌انگیز	صفت	amazing	1377
سالانه	صفت	annual	1378
خفاش، چوگان	اسم	bat	1379
ساحل	اسم	beach	1380



فاصله، جای خالی	اسم	blank	1381
خالی، نانوشته، پوچ	صفت	blank	1381
مشغول، گرفتار	صفت	busy	1382
شکار، اخذ، دستگیره	اسم	catch	1383
فهمیدن، گرفتن، از هوا گرفتن، قاپیدن	فعل	catch	1383
زنجیر، سلسله، رشته	اسم	chain	1384
کلاس درس	اسم	classroom	1385
خامه، کرم	اسم	cream	1386
روان و ملایم کردن	فعل	cream	1386
خدمه	اسم	crew	1387
جزئیات	اسم	detail	1388
دقیق، مفصل، مشروح	صفت	detailed	1389
دستگاه، اسباب	اسم	device	1390
مشکل، دشواری، سختی	اسم	difficulty	1391
شک، تردید	اسم	doubt	1392
شک داشتن، تردید کردن، مظنون بودن	فعل	doubt	1392
درام، نمایش، تئاتر	اسم	drama	1393
مشغول کردن، متعهد کردن، نامزد کردن	فعل	engage	1394
موتور، محرک	اسم	engine	1395
امتحان کردن، بازرسی کردن	فعل	examine	1396
نادرست، غلط، مصنوعی، ساختگی، قلابی	صفت	false	1397
خوراک، علوفه	اسم	feed	1398
غذا دادن، خوراندن، چراندن، خوردن	فعل	feed	1398
برای همیشه، تا ابد	قید	forever	1399
طلا، زر	اسم	gold	1400
تأثیر گذاشتن	فعل	impress	1401
نصب کردن، کار گذاشتن، منصوب نمودن	فعل	install	1402
مصاحبه، مذاکره	اسم	interview	1403
مصاحبه کردن	فعل	interview	1403
بچه، کودک	اسم	kid	1404
مسابقه، جفت، تطابق، کبریت	اسم	match	1405
جفت کردن، وصلت دادن	فعل	match	1405
مأموریت، تکلیف، هیئت تبلیغی	اسم	mission	1406
آشکار، واضح، روشن	صفت	obvious	1407
صاحب، مالک	اسم	owner	1408
درد، رنج، زحمت	اسم	pain	1409



لذت، خوشی	اسم	pleasure	1410
اولویت، تقدم، برتری	اسم	priority	1411
تکرار، بازگو	اسم	repeat	1412
دوباره گفتن، دوباره انجام دادن	فعل	repeat	1412
گرد، مدور	صفت	round	1413
دور، نوبت	اسم	round	1413
گرد کردن، دور زدن	فعل	round	1413
امتیاز، نمره	اسم	score	1414
امتیاز دادن، امتیاز گرفتن	فعل	score	1414
جستجو	اسم	seek	1415
تیز، تند، هشیار، هوشمند	صفت	sharp	1416
فروشگاه، مغازه	اسم	shop	1417
خرید کردن، خریدن، مغازه گردی کردن	فعل	shop	1417
دوش، بارندگی	اسم	shower	1418
دوش گرفتن، باریدن	فعل	shower	1418
خواندن، سرودن، آواز خواندن	فعل	sing	1419
لغزیدن، سرخوردن	فعل	slide	1420
برهنه کردن، لخت کردن	فعل	strip	1421
نوار، بند	اسم	strip	1421
کت و شلوار، تقاضا، جامه	اسم	suit	1422
مناسب بودن، وفق دادن	فعل	suit	1422
ضخیم، غلیظ، انبوه	صفت	thick	1423
لحن، صدا	اسم	tone	1424
کاملاً، جمعاً، کلاً، سرتاسر	قید	totally	1425
دو بار، دو برابر	قید	twice	1426
پنجره، دریچه	اسم	window	1427
عاقلانه، عاقل، دانا، خردمند	صفت	wise	1428
هیچکس	ضمیر	nobody	1429
آدم بی‌اهمیت	اسم	nobody	1429
خودمان، مال ما	ضمیر	ourselves	1430
در حالی که، نظر به اینکه	حرف ربط	whereas	1431
پیش‌بینی کردن، پیش‌دستی کردن، انتظار داشتن	فعل	anticipate	1432
فرض کردن، وانمود کردن، تظاهر کردن	فعل	assume	1433
توجه، ملاحظه، رسیدگی	اسم	consideration	1434
تعداد، شمارش	اسم	count	1435
شمردن، حساب کردن	فعل	count	1435



مرده، ازکارافتاده، بی‌جان	صفت	dead	1436
بسیار، خیلی، کاملاً	قید	dead	1436
تحويل، زایمان	اسم	delivery	1437
انتخابات	اسم	election	1438
افزایش یافتن، بالا بردن، افزودن، بهبود بخشیدن	فعل	enhance	1439
فوتبال	اسم	football	1440
راهنمایی، ارشاد، هدایت	اسم	guidance	1441
هتل	اسم	hotel	1442
علامت، نشان	اسم	mark	1443
علامت زدن، نشانه کردن	فعل	mark	1443
شرکت کردن، سهم شدن	فعل	participate	1444
حفاظت، حمایت	اسم	protection	1445
پیچ	اسم	screw	1446
پیچاندن، پیچیدن	فعل	screw	1446
جنسیت، جنسی	اسم	sex	1447
پیشنهاد	اسم	suggestion	1448
تنش، فشار، کشش، بحران	اسم	tension	1449
تنوع، تغییر، دگرگونی	اسم	variation	1450
دلخواه، خواست، آرزو	اسم	wish	1451
آرزو کردن، خواستن، میل داشتن	فعل	wish	1451
عامل، نماینده، مأمور	اسم	agent	1452
اضطراب، نگرانی، دلواپسی	اسم	anxiety	1453
ارکستر، گروه موزیک، باند، اتحاد	اسم	band	1454
حمام، استحمام	اسم	bath	1455
بلوک، انسداد، سد، قطعه	اسم	block	1456
مانع‌شدن، مسدود کردن، بستن	فعل	block	1456
استخوان	اسم	bone	1457
نان	اسم	bread	1458
کلاه لبه‌دار، کلاهک، سرپوش، سر بطری، سر قوطی، رأس	اسم	cap	1459
دقیق، دقت، مواظب، محتاط	صفت	careful	1460
جمع‌کردن، گردآوردن	فعل	collect	1461
ترکیب کردن، مخلوط کردن	فعل	combine	1462
فرمان، فرماندهی	اسم	command	1463
ساخت‌وساز، ساختمان	اسم	construction	1464
مسابقه، رقابت	اسم	contest	1465
بحث‌وجدل کردن، اعتراض داشتن	فعل	contest	1465





گوشه، زاویه، کنج	اسم	corner	1466
دادگاه، دیوان	اسم	court	1467
فنجان، جام، پیاله	اسم	cup	1468
به شکل فنجان درآوردن (دست‌ها)	فعل	cup	1468
تقسیم	اسم	divide	1469
تقسیم کردن، قسمت کردن، جدا کردن	فعل	divide	1469
در، درب	اسم	door	1470
شرق، شرقی	صفت	east	1471
شرق، مشرق	اسم	east	1471
به سمت شرق	قید	east	1471
احساسات، هیجان	اسم	emotion	1472
معادل، برابر	اسم	equivalent	1473
معادل، برابر، مشابه	صفت	equivalent	1473
هرجایی، هر مکانی	قید	everywhere	1474
انگشت	اسم	finger	1475
گاراژ، پارکینگ	اسم	garage	1476
ضمانت، ضامن، تعهد، وثیقه	اسم	guarantee	1477
ضمانت کردن، عهد کردن	فعل	guarantee	1477
مهمان	اسم	guest	1478
آویزان کردن، بدار آویختن، معلق کردن	فعل	hang	1479
ارتفاع، بلندی	اسم	height	1480
سوراخ، حفره، گودال	اسم	hole	1481
قلاب	اسم	hook	1482
به شکل قلاب درآوردن، به دام انداختن، گیر آوردن	فعل	hook	1482
شکار، صید، جستجو	اسم	hunt	1483
شکار کردن، صید کردن، جستجو کردن	فعل	hunt	1483
اولین قسمت، ابتدا	اسم	initial	1484
اولیه، ابتدایی، نخستین	صفت	initial	1484
در آغاز قرار دادن	فعل	initial	1484
دومی، آخری	صفت	latter	1485
لایه، قشر	اسم	layer	1486
دراز کشیدن، دروغ گفتن، خوابیدن	فعل	lie	1487
دروغ	اسم	lie	1487
مرکز خرید	اسم	mall	1488
نظامی راه رفتن، قدم رو کردن، راهپیمایی کردن	فعل	march	1489
ماه مارس، راهپیمایی	اسم	march	1489





متأهل	صفت	married	1490
ملاقات، جلسه، نشست	اسم	meeting	1491
نام بردن، ذکر کردن، اشاره کردن	فعل	mention	1492
اشاره، تذکر، ذکر	اسم	mention	1492
نزدیک	صفت	nearby	1493
در نزدیکی	قید	nearby	1493
بینی	اسم	nose	1494
پارکینگ، توقفگاه	اسم	parking	1495
شریک، همسر، یار	اسم	partner	1496
کاملاً	قید	perfectly	1497
نمایه، مشخصات	اسم	profile	1498
مغرور، متکبر، سرافراز	صفت	proud	1499
ضبط، ثبت	اسم	recording	1500
مرتبط کردن	فعل	relate	1501
احترام، تکریم	اسم	respect	1502
احترام گذاشتن، محترم داشتن، بزرگ داشتن	فعل	respect	1502
برنج	اسم	rice	1503
نمونه، مدل، الگو	اسم	sample	1504
نمونه برداشتن، نمونه گرفتن	فعل	sample	1504
برنامه، جدول، برنامه زمانی	اسم	schedule	1505
زمان بندی کردن، برنامه ریزی کردن	فعل	schedule	1505
تصفیه کردن، تسویه کردن	فعل	settle	1506
بوییدن، بو کردن	فعل	smell	1507
بو، بویایی، استشمام، رایحه	اسم	smell	1507
به نحوی، به طریقی	قید	somehow	1508
معنوی، روحی، فکری	صفت	spiritual	1509
نظرسنجی، بررسی	اسم	survey	1510
بازدید کردن، بررسی کردن	فعل	survey	1510
شنا	اسم	swimming	1511
گره زدن	فعل	tie	1512
کراوات، برابری، گره	اسم	tie	1512
حمل و نقل	اسم	transportation	1513
غمگین، ناراضی، ناکام	صفت	unhappy	1514
وحشی	صفت	wild	1515
فصل زمستان	اسم	winter	1516
همین طور	قید	neither	1517



هیچیک ، هیچکدام	ضمیر	neither	1517
در جای دیگر	قید	elsewhere	1518
خودش، خود او	ضمیر	himself	1519
اتمسفر، جو	اسم	atmosphere	1520
اطلاع، هوشیاری، آگاهی	اسم	awareness	1521
تقویم، سالنامه	اسم	calendar	1522
نامزد، داوطلب	اسم	candidate	1523
آب‌وهوا، اقلیم	اسم	climate	1524
کت، ژاکت، روکش	اسم	coat	1525
پوشاندن، روکش کردن	فعل	coat	1525
مقایسه، سنجش	اسم	comparison	1526
گیجی	اسم	confusion	1527
کندن	فعل	dig	1528
ناحیه، بخش	اسم	district	1529
آسانسور، بالابر	اسم	elevator	1530
کارمند، مستخدم	اسم	employee	1531
کارفرما	اسم	employer	1532
پیاده‌سازی، انجام	اسم	implement	1533
پیاده‌سازی کردن، عملی کردن، انجام دادن، اجرا کردن	فعل	implement	1533
قصد داشتن، خواستن	فعل	intend	1534
معرفی کردن	فعل	introduce	1535
رهبری، راهنمایی	اسم	leadership	1536
سخنرانی، کنفرانس، درس، نطق	اسم	lecture	1537
مدیر، متصدی، رئیس	اسم	manager	1538
شیوه، روش، چگونگی، رفتار	اسم	manner	1539
باریک، تنگ، محدود	صفت	narrow	1540
باریک شدن، باریک کردن	فعل	narrow	1540
به وضوح، به‌طور مشخص	قید	obviously	1541
عمل جراحی، اداره	اسم	operation	1542
فیزیکی	قید	physically	1543
روال، روتین	اسم	routine	1544
معمولی، عادی، همیشگی	صفت	routine	1544
تلفن	اسم	telephone	1545
تلفن زدن، تلفن کردن	فعل	telephone	1545
نوک‌دار کردن، انعام دادن	فعل	tip	1546
انعام، نکته، نوک	اسم	tip	1546



به‌جز، غیر از، به‌استثنای	حرف‌افزافه	except	1547
به‌جز	حرف‌ربط	except	1547
کاملاً	قید	absolutely	1548
بزرگ‌سال، بالغ	اسم	adult	1549
خطوط هوایی	اسم	airline	1550
جدا، جدا از هم	قید	apart	1551
اطمینان دادن، خاطرجمع کردن	فعل	assure	1552
جذب کردن، مجذوب ساختن	فعل	attract	1553
رختخواب، بستر، باغچه	اسم	bed	1554
صورت‌حساب، قبض، اسکناس، لایحه	اسم	bill	1555
خسته‌کننده، حوصله سر بر	صفت	boring	1556
دستور، حکم، خلاصه اخبار	اسم	brief	1557
آگاهی دادن، کوتاه کردن، خلاصه کردن	فعل	brief	1557
مختصر، کوتاه	صفت	brief	1557
کیک	اسم	cake	1558
خیریه، نیکوکاری	اسم	charity	1559
دیوانه، مجنون	صفت	crazy	1560
منحنی، خمیدگی، پیچ	اسم	curve	1561
طراح	اسم	designer	1562
برند	صفت	designer	1562
پخش کردن، توزیع کردن، تقسیم کردن	فعل	distribute	1563
لباس	اسم	dress	1564
لباس پوشیدن	فعل	dress	1564
سهولت، سادگی، آسانی	اسم	ease	1565
راحت کردن، سبک کردن	فعل	ease	1565
شرقی، خاوری	صفت	eastern	1566
ویرایشگر، ویراستار، سردبیر	اسم	editor	1567
بهره‌وری، بازده، کارایی	اسم	efficiency	1568
اضطراری، اورژانسی	اسم	emergency	1569
فرار، گریز، رهایی	اسم	escape	1570
گریختن، فرار کردن	فعل	escape	1570
عصر، غروب، شام، شب	اسم	evening	1571
هیجان، شور و شوق	اسم	excitement	1572
مزرعه، کشتزار	اسم	farm	1573
کشاورزی کردن، دامداری کردن	فعل	farm	1573
بازخورد	اسم	feedback	1574



جنگ، نبرد، پیکار	اسم	fight	1575
جنگیدن، مبارزه کردن، نزاع کردن، نبرد کردن	فعل	fight	1575
شکاف، وقفه	اسم	gap	1576
گردآمدن، اجتماع کردن، جمع شدن، بزرگ شدن	فعل	gather	1577
مقطع تحصیلی، پایه، نمره، درجه، رتبه	اسم	grade	1578
درجه‌بندی کردن، نمره دادن	فعل	grade	1578
گیتار	اسم	guitar	1579
نفرت، تنفر	اسم	hate	1580
تنفر داشتن، کینه ورزیدن	فعل	hate	1580
تعطیلات، تعطیل، عید	اسم	holiday	1581
تکلیف، مشق شب	اسم	homework	1582
وحشت، ترس، خوف	اسم	horror	1583
شوهر	اسم	husband	1584
رهبر، فرمانده، رئیس، راهنما، پیشوا	اسم	leader	1585
وام، قرض	اسم	loan	1586
قرض دادن	فعل	loan	1586
منطقی، عقلانی	صفت	logical	1587
اشتباه، خطا، غلط	اسم	mistake	1588
اشتباه کردن، خطا کردن	فعل	mistake	1588
مادر	اسم	mom	1589
کوه، کوهستان	اسم	mountain	1590
ناخن، میخ	اسم	nail	1591
سروصدا، فریاد، بانگ	اسم	noise	1592
بدهکار بودن، مدیون بودن	فعل	owe	1593
بسته، بسته‌بندی، پکیج	اسم	package	1594
بسته‌بندی کردن	فعل	package	1594
صبور، شکیبا، بردبار	صفت	patient	1595
بیمار، مریض	اسم	patient	1595
اجازه، مجوز	اسم	permission	1596
ارائه، معرفی، عرضه، بیان، تقدیم، نمایش	اسم	presentation	1597
قبل، پیشین	صفت	prior	1598
ترقیع، ترویج، پیشرفت، ترقی	اسم	promotion	1599
اثبات، مدرک، گواه	اسم	proof	1600
معقول، مناسب	صفت	reasonable	1601
انعکاس، پژواک، بازتاب، تأمل	اسم	reflection	1602
یخچال	اسم	refrigerator	1603





تسکین، امداد، رهایی	اسم	relief	1604
تعمیر کردن	فعل	repair	1605
تعمیر، ترمیم	اسم	repair	1605
ناراحت، غمگین	صفت	sad	1606
شن، ماسه	اسم	sand	1607
سنباده زدن	فعل	sand	1607
خراش، حَش	اسم	scratch	1608
خاراندن، خراشیدن، قلمزدن	فعل	scratch	1608
جمله، مجازات، حکم	اسم	sentence	1609
محکوم کردن	فعل	sentence	1609
نشست، جلسه	اسم	session	1610
شانه، جناح	اسم	shoulder	1611
بیمار، مریض	صفت	sick	1612
معه	اسم	stomach	1613
عجیب و غریب	صفت	strange	1614
سخت گیرانه	صفت	strict	1615
رشته، ریسمان، نخ، سیم	اسم	string	1616
موفق شدن	فعل	succeed	1617
ناگهانی، اتفاقاً	قید	suddenly	1618
توریست، جهانگرد، سیاح	اسم	tourist	1619
حوله، دستمال کاغذی	اسم	towel	1620
به راستی، صادقانه، به درستی	قید	truly	1621
تعطیلات، مرخصی، بی کاری	اسم	vacation	1622
عملاً	قید	virtually	1623
غرب، باختر، مغرب	اسم	west	1624
غرب، غربی	صفت	west	1624
به سمت غرب	قید	west	1624
شراب، باده، می	اسم	wine	1625
هیچ کدام، هیچ یک، هیچ	ضمیر	none	1626
قابل قبول، پذیرفتنی	صفت	acceptable	1627
خشونت آمیز، پرخاشگرانه، تهاجمی	صفت	aggressive	1628
کیف، کیسه، ساک	اسم	bag	1629
نبرد، جنگ، مبارزه، نزاع، جدال، پیکار	اسم	battle	1630
جنگ کردن	فعل	battle	1630
پریشانی، رنج، زحمت	اسم	bother	1631
پریشانی	فعل	bother	1631





کد، رمز، قانون، دستورالعمل، برنامه	اسم	code	1632
عموزاده	اسم	cousin	1633
بعد، اندازه، ابعاد، اهمیت	اسم	dimension	1634
فاجعه، مصیبت، بدبختی	اسم	disaster	1635
متمايز، مجزا، مشخص	صفت	distinct	1636
نمایش دادن، افشاء کردن، بی‌حفاظ کردن	فعل	expose	1637
تمدید، گسترش، توسعه، امتداد	اسم	extension	1638
حد، محدوده، وسعت، اندازه	اسم	extent	1639
اسب	اسم	horse	1640
میزبان، مهمان‌دار، مجری	اسم	host	1641
میزبان	فعل	host	1641
فرصت، مناسبت، موقع	اسم	occasion	1642
نتیجه، حاصل، عاقبت	اسم	outcome	1643
چیره شدن، مغلوب ساختن، غلبه کردن	فعل	overcome	1644
مکث، وقفه	اسم	pause	1645
وقفه کردن	فعل	pause	1645
عبارت، اصطلاح	اسم	phrase	1646
تعبیر کردن، کلمه بندی کردن	فعل	phrase	1646
به‌سرعت رفتن، مسابقه دادن	فعل	race	1647
مسابقه، نژاد، نسل، قوم	اسم	race	1647
حل، رفع، تحلیل	اسم	resolution	1648
درآمد، سود سهام، عاید، بازده	اسم	revenue	1649
خشن، زبر، زمخت، ناهموار، حدسی	صفت	rough	1650
خواننده، سراینده، نغمه‌سرا	اسم	singer	1651
سیگار کشیدن، دود کردن	فعل	smoke	1652
دود	اسم	smoke	1652
ضربه زدن، به خاطر خطور کردن	فعل	strike	1653
اعتصاب، اعتراض، حمله نظامی	اسم	strike	1653
با موفقیت	قید	successfully	1654
رنج بردن	فعل	suffer	1655
متعجب، متحیر، مبهوت	صفت	surprised	1656
تنیس	اسم	tennis	1657
انداختن، پرتاب کردن، پرت کردن	فعل	throw	1658
چرخ	اسم	wheel	1659
گرداندن	فعل	wheel	1659
اندوختن، به‌دست آوردن، حاصل کردن	فعل	acquire	1660



وفق دادن، جور کردن	فعل	adapt	1661
تنظیم کردن، سازگار کردن	فعل	adjust	1662
کاملاً، تماماً، روی هم رفته	قید	altogether	1663
مشاجره کردن، استدلال کردن، دلیل آوردن	فعل	argue	1664
برخاستن، رخ دادن	فعل	arise	1665
بازو	اسم	arm	1666
به یک طرف	قید	aside	1667
خودکار، غیرارادی، اتوماتیک	صفت	automatic	1668
سبد، زنبیل	اسم	basket	1669
شرط، شرط بندی	اسم	bet	1670
ضربه روحی، ضربه جسمی، ضربه	اسم	blow	1671
دمیدن، وزیدن	فعل	blow	1671
انعام، جایزه	اسم	bonus	1672
مرز، حاشیه	اسم	border	1673
مجاور بودن	فعل	border	1673
برادر	اسم	brother	1674
دوست، رفیق، یار	اسم	buddy	1675
گروه، دسته	اسم	bunch	1676
قفسه، کابینه، هیئت دولت، هیئت وزرا	اسم	cabinet	1677
کودکی، بچگی، طفولیت	اسم	childhood	1678
کلیسا	اسم	church	1679
مدنی، غیرنظامی، حقوقی، عرفی	صفت	civil	1680
لباس، پوشاک، رخت	اسم	clothes	1681
مربی	اسم	coach	1682
مربیگری کردن	فعل	coach	1682
قهوه	اسم	coffee	1683
تأیید کردن، تصدیق کردن	فعل	confirm	1684
صلیب	اسم	cross	1685
گذشتن، عبور کردن	فعل	cross	1685
خشمگین، دو رگه	صفت	cross	1685
قطعاً، عیناً	قید	definitely	1686
عمداً	قید	deliberately	1687
شام، مهمانی	اسم	dinner	1688
پیش نویس، جریان هوای سرد	اسم	draft	1689
پیش نویسی کردن	فعل	draft	1689
نقاشی	اسم	drawing	1690



استخدام کردن	فعل	employ	1691
دلگرم‌کننده، مشوق	صفت	encouraging	1692
متخصص، کارشناس، خبره	اسم	expert	1693
کارشناسی، ماهر	صفت	expert	1693
خارجی، بیرونی	صفت	external	1694
کف، زمین، طبقه	اسم	floor	1695
خدا، الله	اسم	god	1696
گلف	اسم	golf	1697
عادت، خو	اسم	habit	1698
مو، موی سر، زلف، گیسو	اسم	hair	1699
اذیت کردن، آزرده	فعل	hurt	1700
مصدوم	صفت	hurt	1700
صدمه، آسیب، صدمه روحی، آسیب جسمی	اسم	hurt	1700
غیرقانونی، غیرمجاز	صفت	illegal	1701
ترکیب کردن، یکی کردن	فعل	incorporate	1702
ابتکار	اسم	initiative	1703
آهن، اتو، باشگاه گلف	اسم	iron	1704
اتو زدن	فعل	iron	1704
بسیار قوی	صفت	iron	1704
قضاوت، حکم، داوری	اسم	judgment	1705
توجیه کردن	فعل	justify	1706
خندیدن	فعل	laugh	1707
خنده	اسم	laugh	1707
گذارن، دفن کردن	فعل	lay	1708
لیگ، گروه ورزشی	اسم	league	1709
پر سروصدا، با صدای بلند	صفت	loud	1710
ایمیل، نامه، پست، پست الکترونیکی	اسم	mail	1711
با پست فرستادن	فعل	mail	1711
عظیم، بزرگ، کلان، حجیم، گنده	صفت	massive	1712
ناپسامان	اسم	mess	1713
سیار، متحرک	صفت	mobile	1714
سیک، رسم، طرز، حالت	اسم	mode	1715
گل‌ولای، لجن	اسم	mud	1716
زنده، زشت، نامطبوع، کثیف	صفت	nasty	1717
بومی، محلی	صفت	native	1718
عادی، معمولی	صفت	ordinary	1719



سازمان دادن، متشکل کردن، تشکیلات دادن	فعل	organize	1720
والدین، پدر یا مادر	اسم	parent	1721
الگو، طرح، مدل، نقش	اسم	pattern	1722
سنجاق زدن، متصل کردن، گیر افتادن	فعل	pin	1723
سنجاق، گیره، پین، میخ	اسم	pin	1723
استخر، حوض، مخزن، برکه	اسم	pool	1724
شریک شدن، باهم اتحاد کردن	فعل	pool	1724
داشتن، دارا بودن	فعل	possess	1725
احتمال، امکان	اسم	possibility	1726
روش، روند، رویه	اسم	procedure	1727
ملکه، شهبانو	اسم	queen	1728
نسبت، ضریب	اسم	ratio	1729
رابطه، ارتباط، نسبت، خویشاوند	اسم	relation	1730
تسلی دادن، تخفیف دادن، برکنار کردن	فعل	relieve	1731
تقاضا، درخواست، خواهش	اسم	request	1732
درخواست کردن، تقاضا کردن، تمنا کردن	فعل	request	1732
پاسخ دادن، واکنش نشان دادن	فعل	respond	1733
رستوران	اسم	restaurant	1734
نگه داشتن، حفظ کردن	فعل	retain	1735
سلطنتی، شاهانه	صفت	royal	1736
حقوق	اسم	salary	1737
رضایت، احساس خوشنودی	اسم	satisfaction	1738
بخش، ناحیه، جزء	اسم	sector	1739
ارشد، قدیمی، بالا رتبه	صفت	senior	1740
ارشد، قدیمی (قدیمی بودن در کاری)، بالا رتبه	اسم	senior	1740
بسته، مسدود	صفت	shut	1741
بستن	فعل	shut	1741
امضاء، پاراف	اسم	signature	1742
مفهوم، معنی، اهمیت	اسم	significance	1743
نقره	اسم	silver	1744
نقره‌ای	صفت	silver	1744
ترانه، سرود، شعر، نغمه، آواز، غنا	اسم	song	1745
زور زدن، خسته کردن، پالودن	فعل	strain	1746
فشار، تنش، کُرنش، تقلا	اسم	strain	1746
زور زدن، تقلا کردن، کوشش کردن	فعل	struggle	1747
مبارزه، کشمکش، تقلا	اسم	struggle	1747





فوق‌العاده، عالی	صفت	super	1748
شنا کردن، شناور شدن	فعل	swim	1749
شنا	اسم	swim	1749
برخورد با، مقابله	اسم	tackle	1750
از عهده برآمدن، گلاویز شدن با	فعل	tackle	1750
مخزن، تانک، باک، بشکه	اسم	tank	1751
بسیار، خیلی	قید	terribly	1752
دندان	اسم	tooth	1753
قطار، سلسله، دنباله	اسم	train	1754
تعلیم دادن، تربیت کردن	فعل	train	1754
اعتماد، اطمینان، امانت	اسم	trust	1755
اعتماد داشتن	فعل	trust	1755
بالایی، فوقانی	صفت	upper	1756
قابل‌رؤیت، نمایان، پدیدار	صفت	visible	1757
حجم، ظرفیت، توده	اسم	volume	1758
شستن	فعل	wash	1759
شستشو، غسل	اسم	wash	1759
هرز دادن، ضایع کردن	فعل	waste	1760
ضایعات، زائد، اتلاف، زباله	اسم	waste	1760
همسر	اسم	wife	1761
مال شما	ضمیر	yours	1762
کسی، شخصی، یک کسی، یک شخص	ضمیر	somebody	1763
باید، بایستی	فعل	ought	1764
به‌هرحال، درهرصورت	قید	anyway	1765
اداری، مدیریتی، اجرایی	صفت	administrative	1766
شریک، هم‌دست	اسم	associate	1767
وابسته، هم پیوند، همبسته	صفت	associate	1767
شریک کردن، همدم شدن، پیوستن	فعل	associate	1767
به‌طور خودکار	قید	automatically	1768
شاخه، شعبه، رشته، بخش	اسم	branch	1769
پستان، سینه، نوک پستان	اسم	breast	1770
چیپس، ریزه، ژتون، تراشه	اسم	chip	1771
رنده کردن، ورقه شدن	فعل	chip	1771
عمیقاً	قید	deeply	1772
اسناد، مدرک	اسم	document	1773
مستند کردن	فعل	document	1773



گردو خاک، غبار	اسم	dust	1774
گردگیری کردن	فعل	dust	1774
سابق، پیشین، قبلی	صفت	former	1775
به سختی، به شدت	قید	hardly	1776
شنوایی، رسیدگی به محاکمه، دادرسی	اسم	hearing	1777
قاضی، دادرس، داور، کارشناس	اسم	judge	1778
قضاوت کردن، داوری کردن، حکم دادن، محاکمه کردن	فعل	judge	1778
چاقو، کارد	اسم	knife	1779
آزمایشگاه	اسم	lab	1780
چشم‌انداز، منظره	اسم	landscape	1781
اندازه‌گیری، سنجش	اسم	measurement	1782
افتتاح، گشایش، فرصت، دهانه، سوراخ، منفذ	اسم	opening	1783
افتتاح، گشایش	صفت	opening	1783
پرتقال، نارنج	اسم	orange	1784
نارنجی، پرتقالی	صفت	orange	1784
شعر، اشعار	اسم	poetry	1785
پلیس	اسم	police	1786
پوند (واحد وزن)، آغل (برای حیوانات گم‌شده)	اسم	pound	1787
زدن، کوبیدن، با مشت زدن	فعل	pound	1787
سریعاً، به سرعت، به راحتی	قید	readily	1788
شرم، خجالت، شرمساری، سرافکندگی	اسم	shame	1789
شرمنده کردن، خجالت دادن	فعل	shame	1789
پناه گاه، جان‌پناه، پناه	اسم	shelter	1790
کفش	اسم	shoe	1791
جنوبی	صفت	southern	1792
خرد کردن، از هم جدا کردن، دونیم کردن، تقسیم کردن	فعل	split	1793
شکاف، نفاق، دو بخشی، انشعاب، جدا، تقسیم	اسم	split	1793
تنگ، محکم، فشرده	صفت	tight	1794
محکم، راسخ، به قدرت	قید	tight	1794
شهرک، شهر	اسم	town	1795
غیرمنصفانه، غیرعادلانه، بی‌انصاف	صفت	unfair	1796
متأسفانه	قید	unfortunately	1797
وسیله نقلیه، خودرو	اسم	vehicle	1798
زرد، عسلی	صفت	yellow	1799
زرد کردن	فعل	yellow	1799
تصادف، حادثه	اسم	accident	1800



فرودگاه	اسم	airport	1801
زنده، سرزنده	صفت	alive	1802
خشمگین، دردناک، رنجیده	صفت	angry	1803
ورود	اسم	arrival	1804
یاری کردن، کمک کردن	فعل	assist	1805
فرض کردن، وانمود کردن، تظاهر کردن	فعل	assumption	1806
پختن، طبخ کردن	فعل	bake	1807
بیس بال	اسم	baseball	1808
دوچرخه، موتورسیکلت	اسم	bike	1809
سرزنش، مذمت	اسم	blame	1810
مقصر دانستن، سرزنش کردن	فعل	blame	1810
پسر	اسم	boy	1811
آجر، خشت	اسم	brick	1812
محاسبه کردن، حساب کردن	فعل	calculate	1813
صندلی، مقر، کرسی	اسم	chair	1814
سرنخ، مدرک	اسم	clue	1815
یقه، گریبان، گردن بند	صفت	collar	1816
نظر، اظهارنظر، توضیح، تفسیر، تعبیر	اسم	comment	1817
نظر دادن	فعل	comment	1817
کمیته، کمیسیون	اسم	committee	1818
رقابت کردن، مسابقه دادن	فعل	compete	1819
کنفرانس، مذاکره، جلسه (رسمی)، گفتگو	اسم	conference	1820
مشورت کردن	فعل	consult	1821
گفتگو، مکالمه، صحبت، سخن	اسم	conversation	1822
تبدیل، کسی که تغییر عقیده یا مذهب داده!	اسم	convert	1823
تبدیل کردن	فعل	convert	1823
پایگاه داده، بانک اطلاعاتی	اسم	database	1824
تحویل دادن، آزاد کردن، رستگار کردن	فعل	deliver	1825
وابسته، تابع، محتاج	صفت	dependent	1826
نامید	صفت	desperate	1827
شیطان، ابلیس، روح پلید	اسم	devil	1828
رژیم غذایی	اسم	diet	1829
خطا، غلط، اشتباه	اسم	error	1830
هیجان انگیز، مهیج	صفت	exciting	1831
توسعه دادن، بزرگ کردن، طولانی کردن	فعل	extend	1832
مزرعه دار، کشاورز	اسم	farmer	1833



ترس، هراس، پروا، وحشت، خوف	اسم	fear	1834
ترسیدن، بیمناک بودن، پروا داشتن	فعل	fear	1834
چین، تا (مثلاً: تاخوردگی)، نژاد، قوم	اسم	fold	1835
تا کردن، به هم آمیختن	فعل	fold	1835
بیرون، به جلو، از حالا	قید	forth	1836
دوستانه، مهربان، خودمانی	صفت	friendly	1837
سوخت، تقویت	اسم	fuel	1838
سوخت‌گیری کردن، تحریک کردن، تجدید نیرو کردن	فعل	fuel	1838
خنده‌دار، مضحک، عجیب	صفت	funny	1839
دروازه، دریچه، باب	اسم	gate	1840
دختر	اسم	girl	1841
توده، جمع کل	اسم	gross	1842
ناخوشایند، ناخالص، منزجرکننده، بی‌ادب، توهین‌آمیز	صفت	gross	1842
سالن، تالار، راهرو، دالان، اتاق بزرگ	اسم	hall	1843
پوست، چرم	اسم	hide	1844
مخفی کردن، پنهان کردن	فعل	hide	1844
مورخ	اسم	historian	1845
بیمارستان	اسم	hospital	1846
بیمار، مریض، ناخوش، رنجور، خراب، بی‌کیفیت	صفت	ill	1847
به‌طور ناقص، اشتهاها	قید	ill	1847
ژاکت، کاپشن، کت	اسم	jacket	1848
خوش‌شانس، خوشبخت، خوش‌اقبال	صفت	lucky	1849
ناهار	اسم	lunch	1850
وعده غذایی، غذا، خوراکی	اسم	meal	1851
از دست دادن، گم کردن	فعل	miss	1852
ناظر، آگاهی‌دهنده، نمایشگر	اسم	monitor	1853
دیده‌بانی کردن	فعل	monitor	1853
رهن، گرو	اسم	mortgage	1854
پرستار	اسم	nurse	1855
پرستاری کردن	فعل	nurse	1855
گام، قدم، سرعت، تند	اسم	pace	1856
قدم رو کردن، گام زدن، پیمودن	فعل	pace	1856
ادراک، درک، احساس	اسم	perception	1857
اجازه دادن، مجاز کردن	فعل	permit	1858
اجازه، مجوز	اسم	permit	1858
دسر	اسم	pie	1859





هواپیما، سطح، صفحه	اسم	plane	1860
شعر	اسم	poem	1861
حضور، مجاورت	اسم	presence	1862
طرح پیشنهادی، پیشنهاد	اسم	proposal	1863
واجد شرایط بودن، صلاحیت داشتن	فعل	qualify	1864
نقل قول کردن، نقل کردن	فعل	quote	1865
نقل قول، نشان نقل قول	اسم	quote	1865
بهبود یافتن، دوباره به دست آوردن	فعل	recover	1866
رفع کردن، تصمیم گرفتن	فعل	resolve	1867
بازنشسته شدن	فعل	retire	1868
پاداش، جایزه، مژدگانی، انعام	اسم	reward	1869
پاداش دادن	فعل	reward	1869
رودخانه، رود	اسم	river	1870
غلتیدن، غلت خوردن، غلتاندن	فعل	roll	1871
رول، فهرست، طومار، غلتک	اسم	roll	1871
ردیف، سطر، صف	اسم	row	1872
پارو زدن	فعل	row	1872
ساندویچ	اسم	sandwich	1873
شوک	اسم	shock	1874
شوک دادن، دچار هراس سخت شدن	فعل	shock	1874
فرورفتن، غرق شدن	فعل	sink	1875
چاهک، لگن دستشویی، وان دستشویی	اسم	sink	1875
لغزش، اشتباه، لیزی، تکه کاغذ	اسم	slip	1876
پسر، فرزند	اسم	son	1877
متأسف، پشیمان	صفت	sorry	1878
برای یدکی نگه داشتن، در ذخیره نگاه داشتن	فعل	spare	1879
یدکی	صفت	spare	1879
گفتار، سخنرانی	اسم	speech	1880
بغض، کینه، لج	اسم	spite	1881
کینه ورزیدن، خشمگین کردن، برسریج آوردن	فعل	spite	1881
افشانه، اسپری	اسم	spray	1882
پاشیدن، افشاندن، سمپاشی کردن	فعل	spray	1882
سورپرایز، تعجب، شگفتی	اسم	surprise	1883
غافلگیر کردن	فعل	surprise	1883
شیرین، خوش، مطبوع	صفت	sweet	1884
شیرین، مهربانی، لطف	اسم	sweet	1884



تلوتلو خوردن، تاب خوردن	فعل	swing	1885
تغییر (انسانی)، تاب، نوسان، الاکلنگ	اسم	swing	1885
چای	اسم	tea	1886
دخل پول، کشوی پول	اسم	till	1887
کشت کردن، زراعت کردن	فعل	till	1887
تا، تا آنکه	حرف اضافه	till	1887
تاب خوردن، پیچاندن، پیچیدن	فعل	twist	1888
پیچیدگی، پیچ خوردگی	اسم	twist	1888
زشت، بدقیافه، ناخوشایند	صفت	ugly	1889
طبقه بالا	صفت	upstairs	1890
طبقه بالا، بالاخانه	اسم	upstairs	1890
معمولی، معمول، عادی، همیشگی، متداول، مرسوم	صفت	usual	1891
هشدار، اخطار	اسم	warning	1892
آخر هفته	اسم	weekend	1893
وزن کردن، سنجیدن	فعل	weigh	1894
خوش آمد، خوش باش	اسم	welcome	1895
خوشامد گفتن، پذیرایی کردن	فعل	welcome	1895
خوشایند، گرمی	صفت	welcome	1895
نویسنده	اسم	writer	1896
درباره، در باب	حرف اضافه	concerning	1897
خودش	ضمیر	herself	1898
آره	حرف ندا	yeah	1899
علاوه بر این، بعلاوه	قید	moreover	1900
قرار ملاقات، انتصاب	اسم	appointment	1901
بار (جایی برای غذا و نوشیدنی)	اسم	bar	1902
مانع شدن، بستن	فعل	bar	1902
زنگ، ناقوس	اسم	bell	1903
فصل یا قسمتی از کتاب	اسم	chapter	1904
کمد لباس، گنج	اسم	closet	1905
صدای بلند و ناگهانی، تصادف، سقوط، ورشکست	اسم	crash	1906
سقوط کردن، تصادم کردن، درهم شکستن	فعل	crash	1906
به چالاکي، متمرکز، مشتاقانه	صفت	crash	1906
اشتیاق، جدیت، شور و شوق، غیرت	اسم	enthusiasm	1907
توضیح، توجیه، شرح، تفسیر	اسم	explanation	1908
دستکش	اسم	glove	1909
گرفتن، قاپیدن، ربودن	فعل	grab	1910



صدمه، آسیب، ضرر	اسم	injury	1911
دستورالعمل	اسم	instruction	1912
بررسی کردن، رسیدگی کردن، تحقیق کردن، پژوهیدن	فعل	investigate	1913
نگهداری، تعمیر	اسم	maintenance	1914
تولیدکننده، سازنده	اسم	manufacturer	1915
مذاکره کردن، گفتگو کردن، تبادل نظر کردن	فعل	negotiate	1916
وحشت، هراس، اضطراب	اسم	panic	1917
بالاترین، شلوغ‌ترین، بهترین سطح	صفت	peak	1918
اوج، قله، رأس، نوک	اسم	peak	1918
واقع‌گرایانه، واقع‌بین، تحقق‌گرایی	صفت	realistic	1919
پذیرایی، مهمانی، پذیرش، سیگنال رادیویی	اسم	reception	1920
جایگزینی، تعویض	اسم	replacement	1921
انقلاب، شورش، چرخش، دوران	اسم	revolution	1922
گناهکار	صفت	suspect	1923
مشکوک، مظنون	اسم	suspect	1923
سوءظن داشتن، شک داشتن	فعل	suspect	1923
گذار، انتقال، عبور	اسم	transition	1924
بعید، غیرمحمتمل	صفت	unlikely	1925
روستا، دهکده	اسم	village	1926
برنده، فاتح	اسم	winner	1927
کارگر	اسم	worker	1928
حیاط	اسم	yard	1929
در صورتی‌که	حرف ربط	provided	1930
خارج از کشور	قید	abroad	1931
زنگ خطر، هشدار، آژیر	اسم	alarm	1932
رسیدن	فعل	arrive	1933
کمک، دستیاری، مدد، مساعدت	اسم	assistance	1934
پیوست کردن، چسباندن، بستن، پیوستن، گذاشتن، الصاق کردن	فعل	attach	1935
خم، خمیدگی	اسم	bend	1936
خم شدن، خم کردن	فعل	bend	1936
نیش، گاز (گرفتنی)	اسم	bite	1937
گاز گرفتن، گزیدن، نیش زدن	فعل	bite	1937
پرده	اسم	blind	1938
کور کردن	فعل	blind	1938
کور، نابینا، غافل، بی‌توجه	صفت	blind	1938
بطری	اسم	bottle	1939



نفس، دم، جان	اسم	breath	1940
به طور خلاصه	قید	briefly	1941
خریدار	اسم	buyer	1942
کابل، ریسمان، طناب سیمی	اسم	cable	1943
شمع	اسم	candle	1944
جشن گرفتن، عید گرفتن	فعل	celebrate	1945
قفسه سینه	اسم	chest	1946
شکلات، کاکائو	اسم	chocolate	1947
منشی، دفتردار	اسم	clerk	1948
تمرکز کردن	فعل	concentrate	1949
کنسرت	اسم	concert	1950
پایان، فرجام، نتیجه، استنتاج	اسم	conclusion	1951
مشارکت سهم	اسم	contribution	1952
کوکی، شیرینی، بیسکویت، کلوچه	اسم	cookie	1953
باجه، پیشخوان	اسم	counter	1954
تلافی کردن، جواب دادن	فعل	counter	1954
شجاعت، جرئت، دلوری، رشادت	اسم	courage	1955
کنجکاو، فضول	صفت	curious	1956
میز مطالعه، میز	اسم	desk	1957
کثیف، پلید	صفت	dirty	1958
مخالفت کردن، مخالف بودن، موافق نبودن، ناسازگار بودن	فعل	disagree	1959
کشو	اسم	drawer	1960
ساختن، تصدیق کردن، برقرار کردن	فعل	establish	1961
تخمین، ارزیابی، برآورد	اسم	estimate	1962
تخمین زدن، سنجیدن	فعل	estimate	1962
گل، شکوفه	اسم	flower	1963
گل کردن، شکوفه دادن	فعل	flower	1963
زباله، اشغال، نخاله	اسم	garbage	1964
باشکوه، بزرگ، مهم‌ترین	صفت	grand	1965
پدربزرگ	اسم	grandfather	1966
خواروبار، بقالی، عطاری	اسم	grocery	1967
صدمه، خسارت، ضرر، زیان	اسم	harm	1968
صدمه زدن، آسیب رساندن، خسارت زدن	فعل	harm	1968
صادق، راست‌گو، صادقانه	صفت	honest	1969
چشم‌پوشی کردن، رد کردن، نادیده گرفتن	فعل	ignore	1970
اشاره کردن	فعل	imply	1971





احساس، عقیده، گمان	اسم	impression	1972
چشمگیر، مؤثر، گیرا، تحسین‌برانگیز	صفت	impressive	1973
غیررسمی	صفت	informal	1974
درونی، داخلی، باطنی	صفت	inner	1975
حشره	اسم	insect	1976
پافشاری کردن، اصرار ورزیدن، سماجت کردن	فعل	insist	1977
بازرس، مفتش	اسم	inspector	1978
پادشاه، شاه، سلطان	اسم	king	1979
زانو	اسم	knee	1980
نردبان، پلکان	اسم	ladder	1981
وکیل، حقوق‌دان، مدافع	اسم	lawyer	1982
بار، محموله	اسم	load	1983
بار کردن، بار زدن، پر کردن، پر کردن اسلحه	فعل	load	1983
فهرست، منو، صورت‌غذا	اسم	menu	1984
مین، معدن	اسم	mine	1985
کندن، معدن حفر کردن، استخراج کردن	فعل	mine	1985
آینه	اسم	mirror	1986
گردن	اسم	neck	1987
مجازات، جریمه، کیفر، تاوان	اسم	penalty	1988
حقوق بازنشستگی، مستمری، حقوق	اسم	pension	1989
پیانو	اسم	piano	1990
بشقاب، صفحه	اسم	plate	1991
خوشایند دلپذیر، مطلوب، خوش‌مشرب	صفت	pleasant	1992
خوشحال، راضی	صفت	pleased	1993
سیب‌زمینی	اسم	potato	1994
حرفه، شغل، پیشه	اسم	profession	1995
استاد دانشگاه، پرفسور، مدرس	اسم	professor	1996
پیشنهادشده، مطرح	صفت	proposed	1997
بنفش، زرشکی	صفت	purple	1998
کمیت، مقدار	اسم	quantity	1999
سکوت، سکون، آرامش، رفاه	اسم	quiet	2000
ساکت کردن، آرام کردن، تسکین دادن	فعل	quiet	2000
ساکت، بی‌صدا، آرام	صفت	quiet	2000
نپذیرفتن، رد کردن، قبول نکردن، امتناع کردن	فعل	refuse	2001
افسوس خوردن، حسرت بردن	فعل	regret	2002
پشیمانی، تأسف، افسوس	اسم	regret	2002



باقیمانده	صفت	remaining	2003
فاش کردن، معلوم کردن، ظاهر کردن، آشکار کردن	فعل	reveal	2004
ویرانی، تباهی، خرابه	اسم	ruin	2005
خراب کردن، فاسد کردن، فنا کردن	فعل	ruin	2005
هجوم بردن، خیز زدن	فعل	rush	2006
یورش، حمله، ازدحام	اسم	rush	2006
سالاد	اسم	salad	2007
لرزش، تکان	اسم	shake	2008
لرزیدن، تکان دادن، تکان خوردن، دست دادن	فعل	shake	2008
تغییر مکان، انتقال، نوبت	اسم	shift	2009
انتقال دادن، تغییر دادن، تغییر مکان دادن	فعل	shift	2009
درخشیدن، روشن شدن، تابیدن، براق کردن	فعل	shine	2010
کشتی، سفینه	اسم	ship	2011
با کشتی حمل کردن، سوار کشتی شدن، فرستادن	فعل	ship	2011
خواهر، دختر	اسم	sister	2012
بریدن، قاچ کردن	فعل	slice	2013
تکه	اسم	slice	2013
برف باریدن، برف آمدن	فعل	snow	2014
برف	اسم	snow	2014
مشخص کردن، تعیین کردن، معین کردن	فعل	specify	2015
دزدیدن، ربودن، به سرقت بردن، دستبرد زدن	فعل	steal	2016
سرقت	اسم	steal	2016
نوازش کردن، لمس کردن، زدن	فعل	stroke	2017
دست لرزه، سگته مغزی، ضربه، تکان	اسم	stroke	2017
مکیدن، مک زدن	فعل	suck	2018
ناگهانی، غیرمنتظره	صفت	sudden	2019
سوپرمارکت، فروشگاه	اسم	supermarket	2020
محاصره کردن، فراگرفتن	فعل	surround	2021
احاطه، محاصره	اسم	surround	2021
وحشتناک، افتضاح هولناک، بسیار بد	صفت	terrible	2022
خسته	صفت	tired	2023
زبان (اندامی در بدن)	اسم	tongue	2024
زباله، نخاله، اشغال	اسم	trash	2025
آهنگ، لحن، نغمه، نوا، آواز	اسم	tune	2026
کوک کردن، میزان کردن، ساز زدن	فعل	tune	2026
ضعیف، ناتوان	صفت	weak	2027



ضعف، سستی	اسم	weakness	2028
عروسی، عقد	اسم	wedding	2029
چوبی	صفت	wooden	2030
نگران، مضطرب	صفت	worried	2031
مشتاق، مضطرب نگران، دلواپس	صفت	anxious	2032
رفتار کردن، درست رفتار کردن	فعل	behave	2033
دوچرخه	اسم	bicycle	2034
شجاع بودن	فعل	brave	2035
شجاع، نترس، دلاور	صفت	brave	2035
سکوت، سکون، آرامش	اسم	calm	2036
آرام کردن، ساکت کردن	فعل	calm	2036
آرام، آسوده	صفت	calm	2036
ابر، توده انبوه	اسم	cloud	2037
مبهم بودن، ابری شدن	فعل	cloud	2037
جامع، کامل، همه‌جانبه	صفت	comprehensive	2038
متقاعد کردن، قانع کردن	فعل	convince	2039
در مرکز شهر	صفت	downtown	2040
مرکز شهر، مرکز تجارت شهر	اسم	downtown	2040
استقرار، تأسیس	اسم	establishment	2041
معاینه، بازرسی، امتحان	اسم	examination	2042
عسل، شهد، عزیز	اسم	honey	2043
بهبود، بهسازی، پیشرفت	اسم	improvement	2044
استقلال، آزادی	اسم	independence	2045
بازرسی، معاینه، تفتیش، بازدید	اسم	inspection	2046
چرم	اسم	leather	2047
شل، گشاد، بی‌بندوبار، ول	صفت	loose	2048
مرد، نر، مذکر	صفت	male	2049
جنس نر، مرد، مذکر	اسم	male	2049
به فعالیت واداشتن، برانگیختن	فعل	prompt	2050
سریع، بلادرنگ، فوری	صفت	prompt	2050
دنبال کردن، تعقیب کردن، اتخاذ کردن، پیگیری کردن	فعل	pursue	2051
واکنش، عکس‌العمل	اسم	reaction	2052
موردنیاز، نیاز، الزام، نیازمندی، تقاضا، احتیاج	اسم	requirement	2053
جنسی	صفت	sexual	2054
دامن	اسم	skirt	2055
متخصص	اسم	specialist	2056



به قدرت، شدیداً، به جدیت	قید	strongly	2057
سویچ زدن، سویچ کردن، تعویض کردن	فعل	switch	2058
تعویض، کلید برق	اسم	switch	2058
ناتوان، عاجز	صفت	unable	2059
هشدار دادن، اخطار دادن، تذکر دادن، آگاه کردن	فعل	warn	2060
منطقه، ناحیه، حوزه، بخش، قلمرو	اسم	zone	2061
متهم کردن، تهمت زدن	فعل	accuse	2062
حظ کردن، پسند کردن، تحسین کردن	فعل	admire	2063
پذیرفتن، اقرار کردن، راه دادن، رضایت دادن، تصدیق کردن	فعل	admit	2064
به فرزند پذیرفتن، قبول کردن، اتخاذ کردن	فعل	adopt	2065
رویداد خاص، خیانت (زن و شوهری)	اسم	affair	2066
خشم، عصبانیت	اسم	anger	2067
خشمگین کردن	فعل	anger	2067
آگهی دادن، اعلان کردن	فعل	announce	2068
عذرخواهی کردن، معذرت خواستن	فعل	apologize	2069
سیب	اسم	apple	2070
موافقت کردن، تصویب کردن	فعل	approve	2071
خوابیده، خفته	صفت	asleep	2072
انتساب، تخصیص، وظیفه، مأموریت	اسم	assignment	2073
حضور داشتن، رسیدگی کردن، توجه کردن	فعل	attend	2074
جایزه	اسم	award	2075
پاداش دادن، جایزه دادن	فعل	award	2075
حمام، گرمابه	اسم	bathroom	2076
داشتن، حمل کردن، تاب آوردن، زابیدن، تولید کردن	فعل	bear	2077
خرس	اسم	bear	2077
اتاق خواب، خوابگاه	اسم	bedroom	2078
نوشیدنی الکلی، آبجو	اسم	beer	2079
روز تولد، زادروز	اسم	birthday	2080
تلخ، تند، جگرسوز، تیز	صفت	bitter	2081
پوتین	اسم	boot	2082
درخشان، بالاستعداد	صفت	brilliant	2083
حشره، بیماری، باگ کامپیوتری	اسم	bug	2084
اردوگاه، کمپ، اردو	اسم	camp	2085
آب نبات، نبات	اسم	candy	2086
فرش، قالی، زیلو	اسم	carpet	2087
گربه	اسم	cat	2088





جشن، تجلیل	اسم	celebration	2089
قهرمان	اسم	champion	2090
کانال، مجرا	اسم	channel	2091
گونه	اسم	cheek	2092
مشتری	اسم	client	2093
ساعت، زمان سنج	اسم	clock	2094
راحت، آسایش، آسودگی	اسم	comfort	2095
دلداری دادن، تسلی دادن	فعل	comfort	2095
مطمئن، دلگرم، مصمم	صفت	confident	2096
گاو	اسم	cow	2097
ترک، شکاف، رخنه، توتق	اسم	crack	2098
ترکانیدن، شکاف برداشتن، ترکیدن، رفع کردن	فعل	crack	2098
جرئت داشتن، به مبارزه طلبیدن	فعل	dare	2099
چالش، شهادت، جرئت	اسم	dare	2099
عزیز، گرامی، محبوب، دوست داشتنی	صفت	dear	2100
آدم مهربان، آدم دوست داشتنی	اسم	dear	2100
خوب، نجیب، آراسته، محترم، متفکر	صفت	decent	2101
تأخیر، تعلل	اسم	delay	2102
به تأخیر انداختن، عقب انداختن، تأخیر کردن	فعل	delay	2102
عزیمت، خروج، حرکت	اسم	departure	2103
الماس	اسم	diamond	2104
خاک، کثافت، چرک	اسم	dirt	2105
مست	صفت	drunk	2106
گوش	اسم	ear	2107
خالی، تهی، پوچ	صفت	empty	2108
خالی کردن، تهی شدن	فعل	empty	2108
مهندس، سازنده	اسم	engineer	2109
مهندسی کردن، نقشه کشیدن، طرح کردن و ساختن	فعل	engineer	2109
ورودی، ورود	اسم	entrance	2110
تقصیر، عیب، خطا، گسل	اسم	fault	2111
زن، ماده، مؤنث	صفت	female	2112
شانس، طالع، ثروت	اسم	fortune	2113
دوستی، رفاقت	اسم	friendship	2114
مراسم خاک سپاری	اسم	funeral	2115
ژن	اسم	gene	2116
دوست دختر (عاشقانه)	اسم	girlfriend	2117



چمن، علف، سبزه	اسم	grass	2118
مرد، شخص	اسم	guy	2119
کلاه	اسم	hat	2120
جهنم، دوزخ	اسم	hell	2121
صادقانه	قید	honestly	2122
عجله، شتاب	اسم	hurry	2123
عجله کردن، شتاب کردن	فعل	hurry	2123
مصور کردن، شرح دادن (با تصویر)	فعل	illustrate	2124
حادثه، واقعه	اسم	incident	2125
نشانه، نشان، اشاره، دلالت، علامت	اسم	indication	2126
اجتناب‌ناپذیر، حتمی	صفت	inevitable	2127
اطلاع دادن، آگاه کردن، خبرچینی کردن، گفتن	فعل	inform	2128
قصد، مقصود، نیت، تصمیم	اسم	intention	2129
دعوت کردن، خواندن (کسی)، طلبیدن، احضار کردن	فعل	invite	2130
لطیفه، شوخی، جوک	اسم	joke	2131
شوخی کردن، لطیفه گفتن	فعل	joke	2131
بوسیدن، ماچ کردن	فعل	kiss	2132
بوسه	اسم	kiss	2132
خانم، بانو	اسم	lady	2133
پا	اسم	leg	2134
لب	اسم	lip	2135
تنها، خلوت، دورافتاده	صفت	lonely	2136
دیوانه، مجنون، عصبانی	صفت	mad	2137
ازدواج کردن	فعل	marry	2138
موتور، محرک	اسم	motor	2139
معرکه، مرتب و منظم، تروتمیز، شسته‌ورفته	صفت	neat	2140
عصب، عصبی، اعصاب	اسم	nerve	2141
عصبی، عصبانی، مضطرب	صفت	nervous	2142
هیچ جا، هیچ کجا	قید	nowhere	2143
هیچ کجا، هیچ جا	اسم	nowhere	2143
غیرعادی، عجیب‌وغریب، فرد	صفت	odd	2144
بله، باشه	قید	ok	2145
پاراگراف، مقاله، مسیر، جنبش	اسم	passage	2146
مسافر	اسم	passenger	2147
خودکار، قلم	اسم	pen	2148
نوشتن، بستن، حبس کردن	فعل	pen	2148



پیتزا	اسم	pizza	2149
سکو، پلتفرم، بستر	اسم	platform	2150
شاعر	اسم	poet	2151
ترکیدن، سریع و ناگهانی باز شدن	فعل	pop	2152
موزیک پاپ، صدای تیز، مشروبات گازدار	اسم	pop	2152
محبوب، ناگهانی	صفت	pop	2152
جاری شدن، ریختن	فعل	pour	2153
نمازخواندن، دعا کردن، به درگاه خدا طلب کردن	فعل	pray	2154
غرور، افتخار، سرافرازی	اسم	pride	2155
کشیش، روحانی	اسم	priest	2156
جایزه، انعام	اسم	prize	2157
پیشنهاد کردن، پیشنهاد دادن، طرح کردن	فعل	propose	2158
مشت زدن، سوراخ کردن، منگنه کردن	فعل	punch	2159
مشت، ضربه با مشت، نوعی نوشیدنی، منگنه	اسم	punch	2159
ول کردن، دست کشیدن	فعل	quit	2160
یادآوری کردن، به یادآوردن	فعل	remind	2161
پاسخ دادن	فعل	reply	2162
پاسخ، جواب	اسم	reply	2162
ساکن، مقیم، اقامت، شهروند	اسم	resident	2163
مقاومت کردن، مخالفت کردن، مانع شدن	فعل	resist	2164
محل تفریح، چاره	اسم	resort	2165
دوباره دسته‌بندی کردن، متوسل شدن	فعل	resort	2165
حلقه، انگشتر، تماس تلفنی، زنگ، رینگ	اسم	ring	2166
زنگ زدن، زنگ خوردن	فعل	ring	2166
پاره کردن، دریدن، شکافتن	فعل	rip	2167
شکاف، چاک، پاره	اسم	rip	2167
سقف، بام، پوشش	اسم	roof	2168
طناب، ریسمان	اسم	rope	2169
مالش دادن، مالیدن، ساییدن	فعل	rub	2170
مالش	اسم	rub	2170
بادبان	اسم	sail	2171
با قایق سفر کردن	فعل	sail	2171
متن نمایشنامه	اسم	script	2172
پیراهن	اسم	shirt	2173
احمقانه	صفت	silly	2174
اندک، جزئی، ناچیز، کوچک، کم	صفت	slight	2175



شیک، باهوش، هوشمندانه	صفت	smart	2176
لبخند زدن	فعل	smile	2177
لبخند، تبسم	اسم	smile	2177
غریبه، بیگانه	اسم	stranger	2178
کشیدن، منبسط کردن، گشادشدن	فعل	stretch	2179
ارتجاع، کشش	اسم	stretch	2179
احمق، ابله، نادان، خنگ، کندذهن، نفهم	صفت	stupid	2180
ارائه دادن، تقدیم داشتن، عرضه داشتن، مطیع شدن	فعل	submit	2181
پنداشتن، فرض کردن، خیال کردن، گمان کردن	فعل	suppose	2182
عمل جراحی	اسم	surgery	2183
داستان، قصه، افسانه، حکایت، روایت	اسم	tale	2184
بلندقد، مرتفع	صفت	tall	2185
اشک	اسم	tear	2186
پاره کردن، دریدن   اشک	فعل اسم	tear	2186
گلو، حلق	اسم	throat	2187
کوچک، ریز، ناچیز، خرد، ریزه	صفت	tiny	2188
انگشتان پا، پنجه، جای پا	اسم	toe	2189
فردا	اسم	tomorrow	2190
فردا	قید	tomorrow	2190
برج	اسم	tower	2191
برجسته‌تر بودن، سرترا بودن (از دیگران)	فعل	tower	2191
مربی	اسم	trainer	2192
ترجمه کردن، معنی کردن	فعل	translate	2193
کامیون	اسم	truck	2194
عمو، دایی، شوهرعمه	اسم	uncle	2195
از خواب بیدار شدن	فعل	wake	2196
بیداری، شب‌زنده‌داری	اسم	wake	2196
شاهد، گواه، شهادت، گواهی	اسم	witness	2197
شهادت دادن، گواه بودن بر، شاهد بودن	فعل	witness	2197
بسته‌بندی کردن، پوشانیدن، پنهان کردن، پیچیدن	فعل	wrap	2198
کادوپیچ، بسته‌بندی	اسم	wrap	2198
دیروز	اسم	yesterday	2199
دیروز	قید	yesterday	2199
جوانان	اسم	youth	2200
آقا، شخص محترم	اسم	sir	2201
تعلق داشتن، مال کسی بودن، وابسته بودن	فعل	belong	2202





باید، بایستی	فعل	shall	2203
هرکسی که، هر که، هر آنکه	ضمیر	whoever	2204
هر شخصی، کسی	ضمیر	anybody	2205
جاه‌طلبی، بلندهمتی، آرزو	اسم	ambition	2206
تحلیلگر	اسم	analyst	2207
دستیار	اسم	assistant	2208
پیشنهاد، مزایده	اسم	bid	2209
پیشنهاد کردن، فرمودن، امر کردن، دعوت کردن،	فعل	bid	2209
قهرمانی، پهلوانی	اسم	championship	2210
مرتکب شدن، متعهد به انجام کاری کردن	فعل	commit	2211
آگاه، باخبر، هوشیار، بهوش، بیدار	صفت	conscious	2212
عاقبت، نتیجه، اثر	اسم	consequence	2213
انتقاد کردن، تأیید نکردن، عیبجویی کردن	فعل	criticize	2214
شایستگی داشتن، سزاوار بودن، لایق بودن	فعل	deserve	2215
نابود کردن، از بین بردن، خراب کردن، ویران کردن	فعل	destroy	2216
ناامید، مأیوس، ناکام	صفت	disappointed	2217
خجالت‌زده، شرمند	صفت	embarrassed	2218
اشتباهی	قید	falsely	2219
گناهکار، مجرم، مقصر	صفت	guilty	2220
مردد بودن، تأمل کردن، درنگ کردن، بالکنت گفتن	فعل	hesitate	2221
برجسته	اسم	highlight	2222
برجسته کردن موضوعی، مورد تأکید قرار دادن	فعل	highlight	2222
جزیره	اسم	island	2223
هیئت‌داوران	اسم	jury	2224
تولید، ساخت	اسم	manufacturing	2225
رفیق، دوست، همسر	اسم	mate	2226
نیمه‌شب، دل شب	اسم	midnight	2227
مذاکره	اسم	negotiation	2228
تعهد، وظیفه، تکلیف	اسم	obligation	2229
ترغیب کردن، وادار کردن	فعل	persuade	2230
آلودگی، کثافت	اسم	pollution	2231
دعوت کردن به	فعل	pretend	2232
قبلاً، سابقاً	قید	previously	2233
وعده، قول، پیمان	اسم	promise	2234
قول دادن، عهد کردن، متعهد شدن، پیمان بستن	فعل	promise	2234
تشخیص، شناخت، شناسایی	اسم	recognition	2235



چشمگیر، قابل توجه، استثنایی	صفت	remarkable	2236
نمونه، نشانگر، معرف	صفت	representative	2237
نماینده	اسم	representative	2237
شهرت، اعتبار	اسم	reputation	2238
طرح، برنامه	اسم	scheme	2239
طرح کردن، نقشه طرح کردن، توطئه چیدن	فعل	scheme	2239
جوراب	اسم	sock	2240
گوینده، سخنگو، بلندگو	اسم	speaker	2241
درست نوشتن، املاء کردن	فعل	spell	2242
دوره، طلسم	اسم	spell	2242
ایستگاه، مرکز	اسم	station	2243
مهم، قابل توجه، اساسی	صفت	substantial	2244
مشکوک، شک برانگیز، شکاک	صفت	suspicious	2245
همدردی، دلسوزی	اسم	sympathy	2246
موقت، زودگذر	صفت	temporary	2247
هفته نامه	اسم	weekly	2248
هفتگی	قید	weekly	2248

### راههای ارتباطی

- ✓ تلگرام پشتیبانی: [telegram.me/aziakapp](https://t.me/aziakapp)
- ✓ تلگرام نویسنده: [telegram.me/aziz\\_sheikhpour](https://t.me/aziz_sheikhpour)
- ✓ ایمیل: [aziakapp@gmail.com](mailto:aziakapp@gmail.com)

### سخن نویسنده

بنده عزیز شیخه پور، کارشناس نرم افزار، برنامه نویس و مترجم، برای نوشتن این کتاب زمان و انرژی زیادی گذاشتم لطفا از آن به قصد سوءاستفاده کپی برداری نکنید. **کاملا رایگان بوده و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق فروش آن را ندارد و در صورت چاپ و تکثیر آن باید و باید! به همین شکلی که هست چاپ و تکثیر شود.** این کتاب قرار بر این بود غیر رایگان باشد اما به احترام **فرشته های** سانحه هوایی ۱۸ دی ماه سال ۱۳۹۸ رایگان شده است. برایتان آرزوی موفقیت و سربلندی دارم. مانا، امیدوار، جنگجو و سخت کوش باشید دوستان ...

